

پیشگفتار

نامه های یوحنا رسول

مقتضیات نگارش

نامه های یوحنایی، لااقل دو نامه اول فاقد تفصیلی درباره چگونگی نگارش و شخص نویسنده آنهاست، اما از بررسی خود متن به ظن قریب به یقین اوضاع و احوال گیرندگان و مخاطبان نامه و نیز دلایلی که نویسنده را وادار به نوشتن آنها کرده می توان دریافت. از لحن جدلی بسیاری از قطعات این نامه ها می توان چنین نتیجه گیری کرد که جوامعی که مخاطب آنها بوده اند در بحران و خیمی بسر می برده اند. توسعه و نشر آموزه های ناموافق با مکاشفه مسیحی، خطر سازش پذیری پاکی ایمان را با آنها به میان آورده بود. تعلیم دهندگان این آموزش چه کسانی بودند؟ آنان ضد مسیح (دجال) (۱-یو ۱۸:۲، ۲۲:۴؛ ۳:۴؛ ۲-یو ۷)، پیامبران دروغین (۱-یو ۴:۱)، دروغگو (۲:۲۲)، فریبکار (۲-یو ۷) نامیده شده اند؛ آنان از جهان هستند (۱-یو ۵:۴) و توسط روح خطا رهبری می شوند (۶:۴). سابقاً جزو جوامع مسیحی بودند (۲:۱۹؛ ر. ک ۲-یو ۹) و اکنون در صدد گمراهی ایمان دارانی هستند که وفادار و با ایمان مانده اند (۲:۲۶؛ ۳:۷) و حامل آموزه ای هستند که آموزه مسیح نیست (۲-یو ۱۰).

اساس خطای ایشان چه بود؟ آنان که با عرفانی از سنخ گنوسی اغوا شده بودند،

علی رغم آموزه و رفتاری که در تضاد آشکار با مکاشفه مسیحی بود و بویژه دیدگاهشان در باب مسیح شناسی که کاملاً از روی بدعت و الحاد بود، ادعای شناخت خدا (۱-یو ۴:۲)، دیدن خدا (۳:۶؛ ۳-یو ۱۱)، زندگی در مشارکت با وی (۱-یو ۳:۲) و در نور او بودن (۲:۹) را داشتند؛ آنان عیسی را نه مسیح می دانستند (۲:۲۲) و نه پسر خدا (۴:۱۵؛ ۲-یو ۷)؛ راز تن گیری را رد می کردند (۴:۲؛ ۲-یو ۷) و عیسی را «تجزیه و تفکیک» می کردند زیرا در وی عیسی تاریخی و پسر خدا را از هم تفکیک می نمودند و منکر آن بودند که عیسی حقیقتاً از آب و خون آمده است (۱-یو ۴:۳؛ ۵:۶). رفتار اخلاقی شان نیز کمتر از این مستحق توبیخ نبود. با گرایشات کاملاً گنوسی خود، مدعی بی گناهی خویش بودند (۱:۸، ۱۰) و در بند مراعات احکام (۲:۴) بویژه محبت برادرانه نبودند (۲:۹).

از مدتها قبل کسانی در صدد شناخت و تعیین هویت دقیق این معلمان کاذب برآمده بوده اند. بنابر شهادت ایرنائوس، انجیل یوحنا مبارزه علیه بدعت و الحاد سرنتوس (Ce-rinthe) را رهبری می کرد. به خوبی قابل درک است که نامه های یوحنا نیز حاوی همین تعلیم است. در واقع به نظر می رسد که آموزه انجیل

باید شناخت. مبانی این شناخت وفاداری به ایمان مسیحی است که از آغاز تعلیم داده شده (فی المثل ۱- یو: ۲۲-۲۴) و مراعات احکام بویژه محبت برادرانه (به عنوان مثال ۲: ۳-۶، ۹-۱۱) است.

نویسنده

به احتمال قریب به یقین هر سه نامه بوسیله یک نفر نوشته شده‌اند. بازتاب بحرانی مشابه در دو نامه اول و حتی به طور غیر مستقیم در سومین نامه دیده می‌شود. چه از لحاظ تفکر و چه واژه‌ها و سبک، این سه نامه آن چنان و تا آن حد به هم شبیه‌اند که مشکل بتوان آنها را متعلق به نویسندگان مختلف دانست. اینک به چند نمونه مشابه از این مقوله اشاره می‌کنیم: «بسیاری اغوا کنندگان (یا انبیای کذب) در جهان پراکنده گشته‌اند» (۱- یو: ۴: ۱؛ ۲- یو: ۷)؛ «در راستی گام بردارید» (۲- یو: ۴؛ ۳- یو: ۳)؛ «در راستی محبت داشته باشید» (۲- یو: ۱؛ ۳- یو: ۱؛ ر. ک ۱- یو: ۳: ۱۸) فرمان محبت «فرمانی جدید نیست» بلکه فرمانی است «که از آغاز داشته‌ایم» (۱- یو: ۲: ۷؛ ۲- یو: ۵)؛ «داشتن پدر و پسر» (۲- یو: ۹) یا «داشتن پدر نیز» (۱- یو: ۲: ۲۳).

موضوع هویت این نویسنده مشکلی را به وجود می‌آورد. وی درست بر عکس پولس، هیچ‌جا نامی از خود نمی‌برد و در ۲- یو: ۱ و ۳- یو: ۱، تنها خود را به عنوان «پیر» معرفی می‌کند: این عنوان بیانگر رئیس یا رهبر یک جامعه بر حسب سلسله مراتب نمی‌باشد بلکه طبق رسم کلیساهای آسیا (پاپیاس، ایرنائوس) هر که متعلق به گروه شاگردان

در بسیاری نکات با آموزه عیانی که این نامه پرده از روی آن برداشته تطابق داشته است. بنا به قول ایرنائوس، سرتوس همواره تعلیم می‌داد که عیسی از بدو تولد انسانی چون دیگران بوده، در هنگام تعمید، مسیح آسمانی با وی پیوند یافت اما به هنگام رنج و مرگ از وی جدا گردید (ر. ک احتمالاً ۱- یو: ۲: ۲۲؛ ۵: ۶).

به هر تقدیر از دیگر نکات منتسب به سرتوس هیچ اثری در نامه های یوحنا وجود ندارد. تعیین این هویت تاریخی هر چه بوده باشد، جریانهای مورد نظر نامه‌ها احتمالاً مربوط به همان جنبش های یهودی‌گرایان دوران ماقبل گنوسی است که نامه های «شبنانی» و نامه های «اسارت» از پیش در جایی دیگر علیه آنها موضع گرفته و بعداً منظومه بزرگ فرقه گنوسی قرن دوم را متلاطم ساختند.

با وجود این، هدف نویسنده مبارزه علیه بدعت‌گذاران و ملحدین نیست بلکه مستقیماً خطاب به خود مسیحیان است. وی می‌خواهد ایمانداران مسیحی را از ادعاهای گنوسی‌ها بر حذر دارد و به آنان نشان دهد که تنها ایمانداران از طریق ایمانشان با خدا مشارکت و اتحاد دارند (۱- یو: ۳). این در واقع همان چیزی است که از نتیجه‌گیری نامه اول بدست می‌آید: «همه این‌ها را برایتان نوشتم تا بدانید که شما دارای زندگانی جاودان هستید، شما که به نام پسر خدا ایمان دارید» (۵: ۱۳). به همین دلیل نیز نویسنده چون بندگردانی تکرار می‌کند: «از آنجا این را می‌دانیم که...» (۱- یو: ۳: ۲، ۵: ۳، ۱۹: ۳، ۲۴: ۴، ۲: ۴، ۶، ۱۳؛ ر. ک ۳: ۱۰؛ ۲- یو: ۶، ۷، ۹؛ ۳: ۱۲) و بدین وسیله می‌خواهد مشخص سازد که ایمانداران حقیقی را با چه نشانی

در چند بخش، «شناخت خدا» همانند شناختی ارائه می شود که ارمیای نبی آن را به عنوان مشخصه پیمان جدید معرفی می کند (ر. ک توضیحات مربوط به ۱-۲:۳، ۱۳، ۲۰، ۲۷؛ ۳:۹؛ ۵:۲۰-۲۱).

به هر حال از نقطه نظر واژگان، قرابت نویسنده بیشتر با یهودیت فلسطینی و نوشته های قمران است. واژه ها یا اصطلاحاتی مانند «گام برداشتن در راستی» (۱-۱:۶)، «روح راستی» (۴:۴)، «انصاف» (۴:۳) همانند تضاد بس شدید بین خدا و جهان (۴:۴-۶)، نور و ظلمت (۱:۶-۷؛ ۲:۹-۱۱)، راستی و دروغ (۲، ۲۱، ۲۷) که بر آن تاکید شده، در قوانین ساکنان غارهای قمران نیز وجود دارد. ثنویت یوحنایی امری ماوراء الطبیعی و کیهانی آن چنانکه گنوسی ها می پندارند نیست بلکه امری اخلاقی و آخرتی است زیرا در قلب انسانی جای دارد، که هر چند ضعیف و گناهکار است اما لیاقت دگرگونی و توبه و لذا اتحاد با خدا را دارا می باشد. این نامه ها با اهمیت فزاینده ای که برای شناخت قائل می شوند، در جریان یهودیت مکاشفه ای و حکمتی قرار می گیرند که بیشتر توجهش به مکاشفه رازهاست. اما این قواعد و ضوابط برگرفته از یهودیت بارها مورد تعبیر و تفسیر شخص نویسنده در مقام مسیح شناسی قرار گرفته است.

مخصوصاً با بررسی های اخیر، یک تأثیر دیگر از جمله تأثیر تفوق روشن گشته و آن سنت مسیحیت اولیه و بویژه تعالیم مربوط به تعمید است. یوحنا با اصرار هر چه تمام خوانندگان خود را «به آنچه شنیده اند» حواله می دهد (۱-۱:۱۰؛ ۳، ۵؛ ۲:۷، ۱۸، ۲۴؛

عیسی بوده یا شاگردان را شناخته بود شایسته این عنوان محسوب می شد، لذا چنین فردی بعنوان شاهد درباره آغاز سنت رسولان از صلاحیت قابل ملاحظه ای برخوردار بوده است. از سوی دیگر، نویسنده خود را چون شاهد عینی زندگانی عیسی معرفی می کند (۱-۱:۱۰؛ ۳-۴:۱۴). این اشارات مختلف به سود عقیده سنتی است که نویسنده این نامه ها را یوحنا ی رسول می داند. در خصوص نامه اول، در واقع شهادت های قدیمی در انتساب آن به وی با هم متفق هستند. در خصوص دو نامه کوتاهتر بعدی این گونه نیست و تحقیقاً بخاطر همان عنوان «پیر» در قرن سوم و چهارم این نویسنده را «یوحنا ی شیخ» (که در واقع همان معنای پیر را دارد) می دانند و وی را از یوحنا ی رسول متمایز می شمارند. اما سنت باستانی شهر افسس تنها یک یوحنا را می شناخت که همانا یوحنا شاگرد خداوند عیسی است.

زمینه ادبی و آموزه ای

در نگاه اول، نفوذ و تأثیر عهد عتیق بر نامه ها بسیار اندک است، چرا که یوحنا تنها یک بار صراحتاً به آن اشاره می کند (ر. ک ۱-۱:۳؛ ۱۲) معهداً اصطلاحات کتاب مقدسی در آنها کم نیست: «امین و عادل» (۱-۱:۱۰؛ ۹)، «شناختن خدا» (۲:۳، ۴، ۱۴ و غیره)، «قربانی توبه» (۳:۲؛ ۴:۱۰)، «گناهی که به مرگ منجر می گردد» (۵:۱۶) و غیره. اما حضور عهد عتیق در نامه بزرگ و مفصل تر را بویژه در مضمون اصلی که در آن پرورده می شود باید جستجو کرد که همانا مشارکت و اتحاد با خدا و «شناخت» اوست:

۳:۱۱؛ ۴:۳؛ ۲-۶)؛ و گاه با یادآوری صریح «ابتدا» یعنی آموزه های آغازین مسیحی (۱-۱۰:۱؛ ۲:۷، ۱۳، ۱۴، ۲۴؛ ۳:۱۱؛ ۲-۱۰:۵، ۶). وی از مسیحیان انتظار دارد که به گناهان خود اعتراف کنند (۱-۱۰:۹) و آنان را فرا می خواند تا ایمان خود را به عیسی، پسر خدا که تن گرفته تقویت کنند (۱-۱۰:۲، ۳؛ ۲:۴، ۱۵؛ ۲-۷): اینها نیز مضامین مربوط به تعمید هستند. معهذاً همه این مضامین اعم از مضامین یهودی یا مسیحی، برای توصیف وضع ایمانداران در کشاکشی که با جهان دارند، اقتباس شده و فعلیت یافته اند.

نامه اول

تعیین نوع ادبی این نامه آسان نیست. چون فاقد خطاب و نتیجه گیری است و در آن به هیچ نامی اشاره نشده مشکل بتوان آن را به سادگی نامه دانست، حتی نامه ای سرگشاده خطاب به جامعه ای محلی نیست (همان گونه که اغلب نامه های پولس چنین اند). با وجود این نویسنده خوانندگان را «فرزندان کوچک» خود می خواند (ر.ک ۱:۲۰ توضیح)، مرتب ایمان مشترک را به آنها یادآوری کرده آنان را تشویق می کند که در ایمان خویش باقی بمانند و از این رو اقتداری مذهبی بر آنان اعمال می کند. به نظر می رسد که این نامه خطاب به گروهی از کلیساهای مورد تهدید همان بدعت ها نوشته شده و همانطور که از سنت قدیم برمی آید در حقیقت به کلیساهای آسیا ارسال گشته باشد. نوشته ای که یوحنا برای آنها می فرستد نوعی نامه شبانی برای تقویت و تنویر آنان در نبردی که بخاطر ایمان دارند می باشد.

درباره ساختار نامه، نظرات پراکنده ای وجود دارد. مسأله بغرنج تر آنجاست که ادات و حروف ربط در نامه بسیار اندک است. اما پدیده ای آگاه کننده امکان تشخیص طرحی در آن را فراهم می آورد و این پدیده آن است که نویسنده غالباً یک مضمون را همیشه با نظم و ترتیبی یکسان از سر می گیرد. مولف اندیشه خود را بر حسب جنبشی دورانی حول یک مضمون اصلی از جمله موضوع اتحاد با خدا توسعه می دهد. این امر به وضوح در مقدمه دیده می شود (۳:۱) و با عباراتی هم وزن در آیات پایانی بیان می گردد (۱۳:۵). نویسنده می خواهد این یقین را در خوانندگان خود بوجود آورد که ایمان داران زندگانی جاودان دارند. و در برابر بدعت گذاران نشان می دهد که با چه شرایطی این زندگانی را بدست می آورند و با چه معیارهایی آن را می توان شناخت. سراسر نامه چیزی جز تشریح این معیارها و شرایط زندگانی اصیل مسیحی نیست که در یک سلسله پرده های متوازی با پیشرفتی واضح یکی بر دیگری ارائه می شود:

مقدمه

(۱:۱-۴): اعلام مضمون اساسی.

الف. نخستین مرحله بیان معیارهای اتحاد ما با خدا (۱، ۵-۲، ۲۸). اتحاد در اینجا به عنوان مشارکت در نور خدا در نظر گرفته شده است. معیارهای این اتحاد به قرار زیر است:

- ۱- گام برداشتن در نور، تبری از گناه (۱:۵-۲:۲).
- ۲- رعایت فرمان محبت (۲:۳-۱۱).
- ۳- ایمان مومنین در برابر جهان و دجالان

(۲۸-۱۲:۲)

بنا بر عقیده برخی منتقدین، از تجزیه و تحلیل این نامه بسترهای ادبی بسیاری آشکار می‌گردد. هیچکس در صدد آن بر نیامده که از این نامه، متنی ابتدایی از منشاء گنوسی یا قمرانی یا شرح و بسط‌های خطابه‌ای که نویسنده به نامه افزوده باشد بیرون بکشد. اما تنوع سبک‌ها دلیلی بر متعدد بودن مأخذها نمی‌باشد. ویژگی کم و بیش آموزه‌ای هر بخش به خوبی تحت تاثیر تعلیم مربوط به تعمید واضح است و نظم و قاعده ساختار خود نامه، شاخصی در جهت یکپارچگی ادبی آن می‌باشد. با این وجود بخشی که در گذشته موجب مجادلات شدید شده بود مسلماً اصیل و معتبر نبوده است. این موضوع به موردی حذف شده در ۵:۶-۸ موسوم به comma johanneum (واژه‌های بین هلالین) برمی‌گردد: «آنان سه هستند که شهادت می‌دهند (در آسمان: پدر، سخن و روح القدس و این سه یک هستند؛ و سه هستند که بر زمین شهادت می‌دهند) یعنی روح، آب و خون و این سه در شهادتی یگانه اتحاد دارند.» این متن که در نسخه ولگات سیکستو کلمنتین (sixto-clementine) آورده شده است در همه نسخه‌های یونانی پیش از قرن پانزدهم، در نسخ کهن و در بهترین نسخ ولگات وجود ندارد؛ مسلماً عبارتی در حاشیه متن بوده که در جریان انتقال آن به غرب وارد متن اصلی گردید.

دو نامه کوتاه

برخلاف نامه اول یوحنا، این دو نوشته کوتاه دارای ویژگی‌های نامه حقیقی هستند. دومین نامه به «بانوی برگزیده و فرزندان» فرستاده شده و این عنوانی است

ب. دومین مرحله بیان معیارهای اتحاد ما با خدا (۲:۲۹-۴:۶). این بار اتحاد با خدا با مضامین پدر فرزندگی توصیف شده است. معیارهایی که فرزندان خدا را معرفی می‌کند به این شرح است:

۱- عمل به عدالت و عدم ارتکاب گناه (۲:۲۹-۳:۱۰).

۲- شفقت و مهربانی به مثال پسر خدا (۳:۱۱-۲۴).

۳- تشخیص ارواح به وسیله ایمان به عیسی مسیح (۴:۱-۶).

ج. سومین مرحله بیان معیارهای اتحاد ما با خدا (۴:۷-۵:۲). دیگر به معیار منفی انصراف

از گناه اشاره نمی‌شود. نویسنده برای بیان دو معیار مثبت محبت و ایمان تا سرچشمه‌های آنها به عقب بازمی‌گردد: محبت که تا این زمان از زاویه خطابه تشویقی (۲:۳-۱۱) و مسیح‌شناسی (۳:۱۱-۲۴) مد نظر بود این بار از دیدگاهی کاملاً الهی به آن نگریسته می‌شود (ر. ک. ۴:۷-۹، ۱۶). ایمان که در دو مرحله قبلی چون طرز رفتاری کلیسایی یعنی اقرار به ایمان شرح داده شده بود (ر. ک. ۲:۲۲-۲۵؛ ۳:۲۳؛ ۴:۲-۶) اکنون چون واقعیتی مربوط به الهیاتی نشان داده می‌شود، ایمان به (نام) پسر خدا (۵:۵، ۱۰؛ ر. ک. ۵:۱۳):

۱- (در پایان نامه به دوری جستن از گناه اشاره نمی‌شود).

۲- محبت از خدا سرچشمه می‌گیرد و ریشه در ایمان دارد (۴:۷-۲۱).

۳- ایمان به پسر خدا ریشه محبت و نیکوئی است (۵:۱-۱۲).

مؤخره (۵:۱۳-۲۱).

که عهده دار شناساندن نام عیسی مسیح در بین بی ایمانان بودند، رهبری می کرد (آیه ۷). پذیرائی و تدارک آنان همه جا بوسیله مسیحیان تأمین می گردید و بدین سان خود را همیار و همکار در راه حقیقت می شمردند (آیه ۸) اما «دیوترفیس» تمایلی به پذیرش آنها نداشت و حتی کسانی را که برای یاری می آمدند از آن جامعه نوپای مسیحی می راند (آیه ۱۰). هدف این نامه آن است که غایوس را تشویق و تشجیع نماید که همچنان به حفظ و نگهداری مبشران ادامه دهد.

این یادداشت در ظاهر دارای ویژگی «شبانی» است و حاوی هیچگونه اشاره ای به آموزه های بدعت گذاران که در دو نامه دیگر از آنها سخن گفته می شود، نیست. مع الوصف مخالفت سرسختانه دیوترفیس با بشارت انجیل که از سوی پیر رهبری می گردد و امتناع وی از اطاعت او، ویژگی روح خطا (۱- یو ۴: ۶)، تأکید «پیر» مبنی بر اینکه «دیوترفیس» خدا را ندیده است (۳- یو ۱۱) - اشاره به بدعتی که مدعی دیدن خدا بود (۱- یو ۳: ۶؛ ر. ک ۲: ۴) - و سرانجام ابراز شادمانی از اینکه غایوس در راه حقیقت گام برمی دارد (۳- یو ۳، ۴)، رفتار و شیوه ای که با رفتار اغواگران متضاد و متعارض نشان داده شده (۲- یو ۴- ۷) و از همه این ها چنین فرض می شود که در خصوص دیوترفیس، وی با بدعت و ارتداد سازگاری و موافقت نشان داده است.

هیچ شاخصی وجود ندارد که براساس آن با یقین بتوان گفت که تقدم و تأخر نگارش سه نامه چگونه بوده است. بنا بر قول برخی نویسندگان، نامه اول یوحنا از لحاظ تاریخ نگارش آخرین آنهاست. این عقیده خالی از

از جانب «پیر» به یکی از کلیساهای آسیا که به وی تعلق داشته و در جایی دیگر هویت آن آشکار نگشته است. ایمان مسیحیان این جامعه به علت حضور اغوا کنندگان که موضوع تن گیری را رد می کردند (آیه ۷) و به آموزه مسیح پای بندی و وفاداری نداشتند (آیه ۹) به خطر افتاده بود. یوحنا می خواهد ایمانداران را علیه چنین آموزش هایی (آیات ۸، ۱۰-۱۱) هشدار بدهد: کسانی که ادعای شناخت حقیقت را دارند (آیه ۱) باید در راه حقیقت نیز گام بردارند (آیه ۴)، به یکدیگر محبت داشته باشند (آیه ۵)، در نور فرمانی که از سوی خدا آمده و از آغاز به کلیسا منتقل شده زندگی کنند (آیات ۴-۶) و این همان مضامینی است که در سرتاسر نامه مفصل تر یعنی نامه اول مورد بسط و تطور قرار گرفته است.

سبک نامه سوم شباهت شگفت انگیزی با نامه دوم دارد (۲- یو ۱، ۴، ۱۲-۱۳ را با ۳- یو ۱، ۳، ۱۳-۱۵ مقایسه کنید) و با این وجود ویژگی شخصی بیشتری دارد. این نامه به «غایوس» نامی فرستاده شده که «پیر» وی را تهنیت می گوید زیرا در راه حقیقت گام برمی دارد (آیه ۳؛ ر. ک ۲- یو ۴). لحن کم و بیش جدلی آن مبین بحرانی است که در میان ایمانداران روی داده بود. پیر قبلاً نامه ای خطاب به آن جامعه نوشته بود اما دیوترفیس که احتمالاً رهبر آن جامعه کلیسائی بوده اقتدار وی را به رسمیت نشناخته است (آیه ۹).

«پیر» این بار خود را مجبور دیده که نامه ای به غایوس بنویسد که یکی از مشاهیر مسیحیان وفادار بوده است. «پیر» از کلیسایی که در آنجا مسکن داشت گروهی از مبشران سیار را

۲۰). علیه ادعاهای کاذب گنوسی ها، مسیحیان باید سعی کنند که «شناخت» (gnose) حقیقتی را که یقین ایمان است توسعه داده و استوار نمایند: «مسیحی کامل، دیگر در ظلمات بسر نمی برد، بلکه در نور خود این را می داند!»

مضمون اصلی این نامه اتحاد و مشارکت ایمانداران با خداست: «اتحاد با پدر و با پسرش عیسی مسیح» (۳:۱)، اما این اتحاد در میان مسیحیان چون اتحادی بین برادران (۳:۱، ۶) پدیدار می شود. این واژه «اتحاد و مشارکت» در دیگر نوشته های یوحنا رسول وجود ندارد اما حقیقتی که وی بیان می دارد در سراسر نامه به شیوه های گوناگون و کمابیش متوازن نوشته شده که تمامی غنای این زندگانی جاودانی را روشن می سازد: شخص ایماندار «از خداست» (۲:۵؛ ر. ک ۲۰:۵)، «با خدا بسر می برد» یا «با پسر و پدر» (۲:۴، ۲۴، ۲۷؛ ۳:۶)، «در خدا می میرد و خدا در وی بسر می برد» (۳:۲۴؛ ۴:۱۵، ۱۶)؛ «از خدا مولود شده است» (۲:۲۹؛ ۳:۹؛ ۴:۷؛ ۵:۱، ۴)؛ او «فرزند خداست» (۳:۲؛ ۲:۱۰)؛ «پدر و پسر را دارد» (۲:۲۳؛ ۵:۱۲، ۱۳؛ ر. ک ۲-۹)؛ «دارای زندگانی است» (۵:۱۲). به همه این ها باید اصطلاح کتاب مقدسی «شناخت خدا» را افزود (۲:۳، ۴، ۱۴؛ ر. ک ۳:۱؛ ۴:۶، ۷، ۸). یوحنا با اصرار قابل ملاحظه ای تأکید می ورزد که این اتحاد الهی وقتی قابل حصول است که با تفکر و تعمق عیسی پسر خدا باشد که نخستین شاهدان شنیده و دیده اند (۱:۱-۳)؛ اگر ما بتوانیم «حقیقت را بشناسیم» به آن معناست که «ما با پسر وی عیسی مسیح هستیم» زیرا

حقیقت نیست؛ در زمانی که این نامه نوشته می شد گروهی ضد مسیح و دجال از جامعه مسیحیان جدا شده بودند (۲:۱۹) که این خود نشان می دهد که بدعت و الحاد رو به افزایش بود و طرفداران بیشتری می یافت. از لحن کلام نویسنده چنین برمی آید که خطر، حالت عمومی به خود گرفته بود. پس از خطاب به جامعه مسیحیان محلی در ۲-یو و ۳-یو اکنون خود را ناچار دیده که همان مضامین را در نامه ای گروهی از سر بگیرد و این بار نامه را به کلیساها و جوامع مختلف مسیحی آسیا که تحت اقتدار و اختیار وی بوده بنویسد.

الهیات نامه اول

در این پیشگفتار جای آن نیست که تجزیه و تحلیل کاملی از الهیات نامه اول یوحنا به عمل آوریم اما می توانیم تعلیم بنیانی وی را تا حدودی روشن سازیم. نیت نویسنده به وضوح در آیه نتیجه گیری بیان شده است: «همه این ها را برایتان نوشتم تا بدانید که دارای زندگانی جاودان هستید، شما که به نام پسر خدا ایمان دارید» (۵:۱۳). در آشفتگی و هرج و مرج ناشی از آموزه های الحادی، یوحنا می خواهد ایمانداران را به این یقین برساند که ایشان زندگانی جاودان خواهند داشت و نه پیامبران دروغین. در آیات پایانی، این یقین چون ندای پیروزی ایمان بر جهان به غرش در می آید: می دانیم هر که از خدا مولود شده دیگر گناه نمی کند... می دانیم که ما از خدا هستیم اما سراسر جهان زیر سلطه شر قرار دارد. می دانیم که پسر خدا به ما فهم داده تا حقیقت را بشناسیم و ما در حقیقت بسر می بریم با «پسرش عیسی مسیح» (۵:۱۸-)

آشکار می گرداند (ر.ک ۲-۱:۲ و ۱۰:۴). با این مکاشفه عدالت نجات بخش خدا، به ایماندار این احساس دست می دهد که وی نیز به سوی عمل به عدالت رهبری می شود (۷:۳؛ ۲۹:۲) تا همان گونه پاک باشد که عیسی پاک است (۳:۳).

سومین تعریف یوحنا از خدا، مهم تر است و حقیقتاً در مرکز مکاشفه عهد جدید قرار دارد: خدا محبت است (۸:۴، ۱۶). از دیدگاه یوحنا، محبت در عین حال موهبتی برای خویشتن و اتحاد با خداست. در خدا، محبت، پدر و پسر را یکی می سازد. اما این محبت الهی خود را ظاهر ساخته و منتقل می گرداند: تمامی محبت از خداست (۱۷:۴). از دید یوحنا ی رسول، عمل نجاتی که پسر به تحقق می رساند چون مکاشفه بزرگ محبت پدر است (۱۶:۳؛ ۹:۴-۱۰، ۱۶). ما مسیحیان که تمامی این پیام محبت را می شناسیم دعوت شده ایم که این محبت خدا (۵:۲؛ ۱۲:۴، ۱۷، ۱۸) در وجود خود را با محبت به برادرمان (۲۰:۴) و با محبت به کسانی که واقعاً از خدا هستند (۲:۵) به تحقق برسانیم. در واقع با این مکاشفه همه زندگانی شخص ایماندار تبدیل به زندگی «در حقیقت و محبت» می گردد (۲-یو ۳) و این زندگی ایمان و محبت شرط مستقیم شناخت خداست.

با وجود این یوحنا فراموش نمی کند که معلمان دروغین، خود مدعی «شناخت خدا» هستند و به همین دلیل وی هشدارها را فزونی می بخشد تا معیارهای زندگی اصیل مسیحی را مشخص سازد. می توان آن معیارها را به دو بخش تقسیم کرد: در ابتدا معیارهای نظم

«او خود حقیقت است، او خدا و زندگانی جاودان است» (۲۰:۵).

مسیحیان حقیقی از آنجا که از خدا شناخت دارند (۷-۶:۴) همیشه خدا را بهتر می یابند. یوحنا از سه جنبه سخن می گوید که تحت تأثیر آنها راز خدا به ایمانداران مکشوف می گردد: خدا نور است. خدا عادل است. خدا محبت است.

نامه یوحنا از همان آغاز پیامی مهم خطاب به مسیحیان دارد که کل معنای آن را از پرده بیرون می افکند: خدا نور است (۵:۱). در اینجا نیز همانند یهودیت، نور یعنی مکاشفه و باز هم مضمون پیشگفتار را از سر می گیرد: زندگانی جاودان در عیسی مسیح بر ما مکشوف شده یعنی زندگی پدر و زندگی پسر که سخن خداست که معطوف به پدر می باشد (۲:۱). پس از آمدن مسیح، این نور حقیقی مکاشفه به جهت انسانها درخشیدن گرفته است (۸:۲)؛ این نور از این پس برای آنان به پیام محبت خدا و در عین حال دعوت آنان به زندگانی در محبت است. همه کسانی که می شنوند در این نور خدا بسر می برند و به برادر خود محبت دارند (۱۰:۲) و همه با هم در اتحاد زندگی می کنند (۷:۱).

به کاملیت الهی دیگری در دو جای دیگر اشاره شده است: خدا عادل است (۹:۱)؛ (۲۹:۲)، این عنوان همچنین دو بار به عیسی اطلاق گشته است (۱:۲؛ ۷:۳) زیرا وی در عمل نجات بخش خود عدالت خدا را بر جهانیان مکشوف ساخته است. در هر یک از این متون، عدالت الهی با مفهوم گناه سازش داده شده است: خدا به واسطه عدالت خود ما را از گناه می رهاوند و محبتی را که به ما دارد

واقعی مسیحی است. زندگانی در اتحاد و مشارکت با خدا، در تکامل پیمان نوین بین خدا و انسان که از سوی پیامبران برای ایام نجات اعلام شده بود به تحقق می رسد. این عهد، جدید است، نخست به خاطر مکاشفه ای که عیسی مسیح آورده - مکاشفه محبت پدر- و همچنین به دلیل درون گرایی این حقیقت تحت تأثیر روح القدس. به این ترتیب ایمان و محبت، تورات (قانون) جدید رسولان مسیح می گردد. برای دسترسی بهتر به ثمرات این مکاشفه، یوحنا بر سنتی تأکید می کند که در ارتباط دائم با روزهای آغازین خود بوده و همچنین بر اهمیت تشخیص ارواح، «تدهین» درونی (chrisma) و تجربه ایمانی ایمان داران تأکید می ورزد: چه بسیاری نکات آموزه ای که اقتباس شده و بعداً بطور وسیع در الهیات، روحانیت و عرفان مسیحی مورد توسعه و تکامل قرار گرفته است.

اگر این نامه ها حاوی آموزشهایی درباره اتحاد با خدا، اخلاق و الهیات عرفانی هستند همچنین حاوی تعالیمی در باب آخرت شناسی نیز می باشند. در واقع نمی توان از اهمیتی که در نامه ها به ایام آخر می دهند چشم پوشی نمود: یوحنا می گوید ساعت آخر فرا رسیده است. ما مسیحیان به نحوی در حال مقابله با جهان هستیم، اما می دانیم که این جهان گذراست؛ برای همین است که ما را دعوت می کنند که تمام امید خود را بر عیسی قرار دهیم: وقتی او ظاهر شود وی را همان گونه که هست خواهیم دید.

ارزش فعلی این پیام برای زمان ما و هر زمانی بدیهی است. امروز همانند دورانهای دیگر، ایمان در بحبوحه بحران قرار دارد.

اخلاقی: از گناه حذر کنید (۶:۳)؛ به جهان دل بستگی نیابید (۱۵:۳)؛ در نور گام بردارید (۷:۱)؛ به عدالت عمل نمائید (۲۹:۲)؛ احکام را مراعات کنید (۲:۳-۵)؛ بویژه حکم محبت برادرانه (۲:۵؛ ۲۴:۳) (۲-۹؛ ۱۱-۱۸؛ ۱۰:۳؛ ۲۰-۱۳؛ ۴:۲۰)؛ و سپس معیارهای آموزه ای: در آموزشهایی که از آغاز داده شده است باقی بمانید (۲۴:۲)؛ به کسانی که در کلیسا حقیقت را تعلیم می دهند گوش فرا دهید (۶:۴)؛ به عیسی ایمان آورده اعتراف کنید که عیسی، مسیح و پسر خداست (۲۳:۲؛ ۴:۲؛ ۵:۱؛ ۱۰). اما آنچه درباره موهبت روح القدس مطرح می شود (۳، ۲۴:۴، ۱۳) به معنای واقعی معیار نیست بلکه نیروئی درونی است که ایمان و محبت به همنوع را برمی انگیزاند.

ثمرات این اتحاد و مشارکت اصیل با خدا و با همنوعان چیست؟ عمل سخن خدا و عظمت «ایمان مسیحی» بر جهان و گناه پیروز است (۱۳:۲، ۱۴؛ ۴:۴؛ ۵:۴-۵)؛ هر که کاملاً طبق زندگانی فرزند خدا زندگی کند نمی تواند مرتکب گناه شود (۳:۶، ۹؛ ۱۸:۵). اطاعت کامل وی از اراده خدا هر گونه ترس را در وی از بین می برد (۱۸:۴) و یقینی کامل در برابر داور اعظم خواهد یافت (۲۸:۲؛ ۳:۲۱؛ ۴:۱۷) و اطمینان دارد که در نیایش های خود مستجاب خواهد شد (۳:۲۱-۲۲؛ ۵:۱۴-۱۵). برای همین است که این اتحاد برای ایمانداران سرچشمه صلح می گردد (۲-یو ۳) و شادی مسیحی را برمی انگیزاند (۱-یو ۳).

نتیجه

نامه های یوحنا نشان دهنده کیفیت زندگی

پیشگفتار نامه های یوحنا ی رسول

مسیحیان می خواهند بدانند که حقیقت ایمان در کجاست. آنان برای شناخت روح خدا در پی معیارهایی هستند: یوحنا ی رسول از ایماندارانی که از حقیقت شناخت دارند می خواهد که در آموزه عیسی مسیح پایدار باشند و با زندگانی سراپا محبت آمیز خود، شاهد ایمانشان به پسر خدا باشند.

اولین نامه یوحنا

مقدمه

و به شما اعلام می‌کنیم، زندگی ۲۵:۲	جاودانی ^d را	آنچه از آغاز ^a بود،	۱۴:۱۳:۲
که نزد پدر بود ^e و بر ما تجلی کرد.	آنچه را شنیده ایم،	آنچه را به چشم‌های خود دیده ایم،	۱:۱۰
آنچه را که دیده و شنیده ایم،	به شما هم اعلام می‌کنیم	آنچه را تماشا کرده ایم	۱۴:۱۰
تا شما نیز در همبستگی با ما باشید؛	و اما همبستگی ما با پدر	و دست‌های ما سخن زندگی ^b را لمس کرده است. ^c	۲۵:۲۰
۲۰:۴ع	و با پسرش عیسی مسیح است. ^f	و ما دیده ایم	۴:۱۰
۱۷:۲۰:۲۱-۲۱:۱	تا شادی ^g ما به تمامی باشد.	و گواهی می‌دهیم	۲۶-۲۵:۱۱
۱-۱:۱			۱۴:۴

a- منظور از کلمه آغاز، آغازی است که مربوط به قبل از تاریخ بشری می‌باشد، نظیر آنچه در مقدمه انجیل ذکر شده است (ر. ک. یو:۱:۱ توضیح b)، در این صورت آیه اول مقدمه درباره مسیح می‌باشد؛ یا اینکه منظور آغاز اعلام و انتشار انجیل است. در این صورت توجه خوانندگان را به پیام اولیه مسیحی معطوف می‌کند (ر. ک. ۷:۲ توضیح x).

b- (تحت اللفظی: در مورد سخن زندگی. لحن گفتار یوحنا گاهی غیر صریح و مبهم است.) منظور از کلمه یونانی که سخن ترجمه شده، عیسی مسیح است چنان‌که در مقدمه انجیل یوحنا نیز به همین معنی آمده است. بعضی از مترجمان آن را کلام (پیام) زندگی ترجمه می‌کنند، در این صورت بجای سخن واژه زندگی به مسیح اطلاق می‌گردد (ر. ک. آیه بعدی).

c- تحت اللفظی: دست زده است. نویسنده نامه عملاً درباره بشری بودن عیسی مسیح تأکید و اصرار می‌ورزد زیرا برخی از مفسران که سعی داشتند مسیحیت را از نظر فلسفی تفسیر کرده و به آن جنبه گنوسی بدهند به صراحت یا به طور ضمنی بشر بودن عیسی را انکار می‌کردند و به این ترتیب ایمان مسیحیان را به مخاطره می‌انداختند (ر. ک. مقدمه). نویسنده همچنین اظهار می‌کند که گواهی او واقعی است زیرا بر مبنای شهادت گواهان اولیه است که مستقیماً عیسی را دیده و سخنان او را شنیده‌اند. ر. ک. ۱۴:۴.

d- زندگانی جاودانی یعنی زندگی خدا. این زندگی در شخص عیسی مسیح، پسر خدا بوسیله اعلام انجیل به ما داده می‌شود (۱۱:۵؛ ر. ک. ۹:۴) و با ایمان به نام او دریافت می‌گردد (۱۳:۵؛ ر. ک. ۲۳:۳؛ یو:۱۶:۳).

e- تحت اللفظی: که به سوی پدر بود. ر. ک. یو:۱:۲.

f- خط ارتباط مداوم همبستگی محبت و حقیقت که از یک سو عیسی مسیح را به پدرش و از سوی دیگر به نخستین گواهانش می‌پیوندد بدون گسیختگی و انقطاع است. ضمناً این ارتباط نخستین گواهان را به کلیسا و مسیحیان را به یکدیگر می‌پیوندد (آیه ۷).

g- در بعضی از نسخه‌های خطی نوشته شده است: شادی شما. در این صورت با آنچه در یو:۱۱:۱۵ ذکر شده هماهنگی خواهد داشت. ولی اگر انجیل برای کسانی که آن را می‌پذیرند شادی ایجاد می‌کند قبلاً و به دلیل بالاتر کسانی را که پیام آور انجیل هستند سرشار از شادی خواهد کرد. ر. ک. ۲-۱۲.

آنچه جالب توجه می‌نماید فضای فراوانی و شادی است که از ویژگی‌های بارز نخستین آیات این نامه می‌باشد. در مقدمه انجیل چهارم مشاهده می‌شود که عیسی مسیح در وارد شدن به دنیا با انکار و امتناع روبرو می‌شد و حال آنکه در اینجا طرفدارانش او را پذیرفته و تجلیل می‌نمایند.

راه رفتن در روشنایی، رهایی از گناه

۱۱:۳ و چنین است پیامی که از او شنیده ایم

و به شما نوید می دهیم^h:

خدا روشنایی است^۱

و در او هیچ تاریکی نیست.

اگر بگوییم: «با او در همبستگی هستیم»^۶

و در تاریکی راه برویم،

دروغ می گوئیم

و به حقیقت عمل نمی کنیم^k.

ولی اگر در روشنایی راه می رویم،

چنان که [خود] او در روشنایی است

با یکدیگر در همبستگی هستیم^۱

و خون پسرش عیسی^m ما را از هر گناهی

پاک می کند.

اگر بگوییم: «گناهی نداریم»،^۸

خود را گمراه می کنیم

و حقیقت در ما نیست.

اگر گناهان خود را اعتراف کنیمⁿ،

او که وفادار و عادل^o است،

گناهان ما را خواهد بخشید

و ما را از هر بی عدالتی^p پاک خواهد کرد.

امت ۹:۲۰
۱-یاد ۴۶:۸
ایوب ۲:۹
جا ۷:۲۰
روم ۳:۱۰-۲۰

۲-توا ۱۴:۷
مز ۳۳:۵-۱۰

روم ۴:۶-۸

۹:۲
۱۲:۸
۴:۲

یو ۳:۲۱

۸:۵

h- کلمه یونانی *anaggelein* که در اینجا (و در یو ۴:۲۵، ۱۶:۱۳-۱۵) آمده و نوید دادن ترجمه شده است به بهترین وجهی فکر و نیت نویسنده را بیان می کند. این کلمه را گاهی اعلام کردن یا آشکار کردن ترجمه می کنند. این فعل که به کرات در کتابهای پیامبران و در ادبیات مکاشفه ای بکار برده شده هم به مفهوم اعلام کردن به صدای بلند و هم به مفهوم اظهار کردن (اش ۴۰:۲۱، ۹:۴۲) یا به مفهوم شناساندن تفسیر می باشد (دان ۲:۲، ۴، ۷، ۵:۱۲، ۱۵). در متن بالا این واژه دارای دو مفهوم آشکار کردن و اعلام کردن می باشد که در مقدمه ذکر شده است (آیات ۲ و ۳). البته مسیحیان نیازی ندارند که انجیل بر آنان آشکار شود؛ ولی همواره این احتمال وجود دارد که دستورات و الزامات انجیل را فراموش کنند. بدین سبب نویسنده بی پروا می گوید: این پیام را که به خوبی می شناسید باید به عنوان رازی پنهانی که همواره تازه نگه دارید بر شما آشکار کنیم.

i- تصویر روشنایی که در انجیل چهارم آمده و در آنجا عیسی خود را به عنوان روشنایی حامل حقیقت معرفی می کند (ر. ک یو ۸:۱۲)، در اینجا در مورد خدا بکار برده شده که منبع الهام و لذا منبع هر قدوسیت در مسیحیت است. لازم به یادآوری است در افکار و اندیشه های مذهبی آن دوران عمومیت داشت که الوهیت را با نور و روشنایی مجسم و مشخص نمایند مثلاً مشرکانی که مسلک عرفانی داشتند تصور می کردند با روشنی ضمیر خود می توانند به ملکوت روشنایی نزدیک شوند یا اینکه بوسیله خلسه یا شرکت در مراسم و تشریفات ورود به فرقه ها به ملکوت دست خواهند یافت. یوحنا چنین استدلال و نتیجه گیری می کند که خدا از ظلمت دور است لذا فرد مسیحی باید با او در روشنایی قدم بردارد. ر. ک لاو ۱۹:۲: مقدس باشید، زیرا من، خداوند، خدای شما مقدس هستم.

j- عباراتی که با کلمات اگر بگوییم (آیات ۶، ۸، ۱۰) شروع شده ظاهراً بیان اظهارات مخالفین مورد نظر نویسنده نامه است و نظریاتی بوده که تا حدی جنبه گنوسی داشته و یوحنا آنها را به عنوان افکار باطل رد می کند.

k- اصطلاح به حقیقت عمل کردن در نوشته های عهد عتیق و در آیین یهود یعنی آن رفتار اخلاقی که برطبق قوانین تورات انجام می گردید. اصطلاح مذکور در اینجا جنبه ملموس و واقعی را حفظ نموده و با این همه یوحنا آن را مجدداً تفسیر و در مورد توبه و ایجاد ایمان بکار می برد. (ر. ک آیات ۸، ۱۰) که عیسی مسیح اعلام کرده و در فرد ایماندار نفوذ می نماید تا زندگی او را دگرگون نماید. در انجیل (یو ۳:۲۱) اصطلاح به حقیقت عمل کردن، بیانگر قدم برداشتن به سوی ایمان است: در اینجا به مفهوم توبه ای است که همواره تکرار و تجدید می شود و در اعتراف به گناهان بیان می گردد (ر. ک آیات ۸، ۱۰).

l- در اینجا بیشتر انتظار می رفت ذکر شود: در همبستگی با او هستیم. ولی دقیقاً به نظر یوحنا همبستگی با خدا بدون همبستگی با برادرانمان وجود ندارد.

m- خون عیسی: رک ۲:۲ توضیح **u**.

n- در مسیحیت اولیه، اعتراف به گناهان معمولاً به اعلام در ملا عام تعبیر می شد (مت ۳:۶؛ مر ۱:۵؛ یع ۵:۱۶).

o- این دو کلمه در نوشته های عهد عتیق مفهومی نزدیک به هم دارند (مثلاً تث ۳۲:۴): خدا وفادار است زیرا وعده های خود در مورد نجات را تحقق می بخشد؛ خدا عادل است زیرا با محبت خود گناهکاران را می بخشد (۲:۲۹-۳:۱).

p- پس از ذکر اینکه خدا گناهان ما را به طور کلی خواهد بخشید، کلمه بی عدالتی بیانگر خطای خصوصی مثلاً بی عدالتی نسبت به مردمان نیست. در نوشته های مقدس کلمه بی عدالتی بیشتر به مفهوم دشمنی شدید با خداست که آدمی را به همه گناهان

رعایت فرمان خدا دربارهٔ محبت

۳ و بدین سان می دانیم که او را شناخته ایم^v:
 اگر فرمانهای وی را رعایت کنیم^{۷۷}.
 آن که می گوید: «من او را شناخته ام»^۴
 و فرمانهای او را رعایت نمی کند
 دروغگو است ۲۰:۴
 و در او حقیقت نیست. ۸:۱
 اما آن که سخن او را نگاه می دارد،^۵
 در او محبت خدا حقیقتاً به کمال است.
 بدین سان می دانیم که در او هستیم.
 آن که می گوید در او جای دارد،^۶
 باید به همان گونه که او رفتار کرده است
 خودش نیز رفتار کند^w.
 ۳:۳، ۱۶:۴، ۱۷:۴،
 فی ۲:۵،
 ۱-قرن ۱۱:۱،
 ۱-پطرس ۲:۲۱-۲۵

۱۰ اگر بگوییم: «گناه نکرده ایم»،
 او را دروغگو می شماریم^۹،
 و سخن او در ما نیست.
 ای فرزندان کوچک من^r،
 اینها را به شما می نویسم تا گناهی
 نکنید.
 و اگر کسی گناه کند،
 ما به نزد پدر مدافعی^s داریم
 که عیسی مسیح عادل^t است.
 ۲ و [خود] او کفار را برای گناهان ما است^u،
 نه اما فقط برای گناهان ما،
 بلکه نیز از آن تمامی جهان.
 روم ۸:۳۴،
 عبر ۷:۲۵،
 روم ۳:۲۵،
 ۴:۱۴،
 کول ۱:۲۰

می کشاند؛ در عهد جدید این ضدیت با حقیقت که به بی ایمانی منجر می شود (روم ۱:۱۸، ۲:۸، ۱-قرن ۱۳:۶، ۲- تیمو ۱۸:۱۹-۱۸) از مختصات ایام آخر است (۲-تسا ۱۰-۱۲)؛ بدین سبب گاهی کلمه یونانی *adikia* را بی انصافی ترجمه می کنند، چنانکه واژه مترادف یونانی دیگر را هم که در ۴:۳ (ر.ک توضیح Z) آمده به همین گونه ترجمه می نمایند. یوحنا می گوید اگر ما به گناهان خود اعتراف کنیم خدا خطاهای ما را خواهد بخشید و حتی ما را از بی عدالتی که ریشه این گناهان است پاک خواهد کرد.
 q- زیرا در نوشته های مقدس، خدا همه ما را گناهکار اعلام می کند. ر.ک روم ۳:۹-۲۰ که در آن آموزه عهد عتیق یکجا و خلاصه شده است.
 r- کلماتی محبت آمیز که یوحنا به عنوان رهبر مذهبی به فرزندان ایمانی خود با دلسوزی اندرز می دهد (ر.ک آیات ۱۲، ۱۸، ۲۸ و غیره).
 s- کلمه یونانی *parakletos* در انجیل چهارم نیز آمده است. ر.ک یو ۱۴:۱۶، ۲۶، ۱۵:۳۶، ۱۶:۷. در آنجا بیانگر روح القدس است که بر روی زمین به یاری ایمانداران می آید، ولی در اینجا منظور خداوند عیسی است که در حضور خدا از ایمانداران شفاعت می کند. ر.ک آیه بعدی و توضیح مربوطه.
 t- کلمه عادل که در اینجا در توصیف عیسی آمده قبلاً در مورد خدا بکار برده شده بود (۹:۱). این کلمه کمتر به منظور توصیف بی گناهی و کمال اخلاقی او و بیشتر به سبب عملی است که عیسی انجام داده و در عین وفاداری به مشیت خدا گناهکاران را تبرئه می نماید.
 u- این عبارت که آن را مجدداً در ۱۰:۴ می یابیم از اصطلاحات و عباراتی گرفته شده که در عهد عتیق دربارهٔ قربانی کردن بکار می رود (مثلاً: خروج ۲۹:۳۶-۳۷)؛ وی به خاطر کفار گناهان قربانی شد (ر.ک مکا ۹-۱۰) و اکنون در حضور پدرش از ما شفاعت می کند.
 v- شناخت خدا برابر مفهومی که در عهد عتیق پذیرفته شده (ر.ک مخصوصاً ارا ۳۱:۲۴) فقط به معنی داشتن دیدگاهی تجربیدی و ذهنی از خدا نیست بلکه برقراری ارتباط شخصی با خدا و زندگی کردن در همبستگی با او است. ر.ک ۱۳:۲ توضیح g.
 vv- در اینجا نویسنده یادآوری می کند که این طرز شناختن خدا متضمن چه الزاماتی است. در مقابل خطری که مسیحیان را تهدید می کند که فقط به مسائل نظری مذهبی بپردازند، یوحنا در اندیشه و نگران آن است که هستی و زندگی مسیحیان واقعاً بر مبنای ایمان باشد و معیار شناختن واقعی خدا، بکار بستن فرمانهای او و مخصوصاً محبت به همنوعان می باشد.
 w- تحت اللفظی: اگر به همان گونه که آن یکی راه رفته است، راه برود. در این نامه ضمیر اشاره «آن یکی» همواره بر عیسی مسیح دلالت دارد (۳:۳، ۵، ۷، ۱۶:۴، ۱۷). عیسی به خاطر محبتی که نسبت به ما دارد جان خود را داده است (۱۶:۳). سرمشق او بایستی ما را رهبری کند که ما هم در محبت زندگی کنیم (۳:۱۷-۱۸؛ یو ۱۳:۱۵، ۳۴).

۱۱ ولی آن که به برادرش کینه می‌ورزد در تاریکی است و در تاریکی قدم برمی‌دارد؛ و نمی‌داند به کجا می‌رود، زیرا تاریکی چشمان او را کور کرده است.	۷ ای عزیزان، فرمان تازه‌ای به شما نمی‌نویسم ^x بلکه فرمان کهنی است ^y که از همان آغاز داشته‌اید؛ فرمان کهن همان سخنی است که شنیده‌اید.
۱۲ ای فرزندان کوچک من، برای شما می‌نویسم ^e زیرا گناهان [تان] شما به خاطر نام او ^f بخشیده شده است. ۱۳ ای پدران ^g به شما می‌نویسم زیرا آن را که از آغاز هست شناخته‌اید. ای جوانان، به شما می‌نویسم زیرا شما بر شریر پیروز شده‌اید.	۸ و نیز فرمان تازه‌ای ^z به شما می‌نویسم، که در او و در شما حقیقت دارد ^a ، زیرا تاریکی می‌گذرد و روشنایی حقیقی هم اکنون می‌درخشد ^b . ۹ آن که می‌گوید در روشنایی است ولی به برادرش کینه می‌ورزد ^c ، تاکنون در تاریکی است. ۱۰ آن که به برادرش محبت دارد، در روشنایی ساکن است و در او موجبی برای لغزش نیست ^d .
مت ۹:۲؛ لو ۲۴:۴۷؛ یو ۲۰:۲۳؛ اع ۱۳:۳۸	یو ۱۳:۳۴؛ ۱۷-۱۲:۱۵
مت ۹:۲؛ لو ۲۴:۴۷؛ یو ۲۰:۲۳؛ اع ۱۳:۳۸	یو ۱۲:۸؛ روم ۱۴:۱۲؛ امث ۱۸:۴-۱۹
عبر ۸:۱۱	۶:۱
۴:۴؛ ۵-۴:۵؛ ۱۸، ۵-۴:۵؛ ۹-۵:۵؛ ۸-۹	۲۰-۱۸:۳

- x- فرمان محبت، نوآوری جدیدی نظیر اظهارات معلمان دروغی نیست بلکه بازگشت به آغاز یعنی نخستین اعلام انجیل است (۱۱:۳؛ ۲-۵:۶). یوحنا مصراً وفاداری به سنتها را توصیه می‌کند (۱:۱؛ ۲:۱۳؛ ۲:۱۴، ۲۴).
- y- فرمان درباره محبت برادرانه تازگی ندارد و از دو دیدگاه کاملاً به هم پیوسته کهن می‌باشد: این فرمان سخنی است که اظهار شده و از مسیح ناشی می‌گردد و از نظر ایمان مسیحیان مربوط به دوران برخورد آنان با انجیل است.
- z- این فرمان در تاریخ نجات تازگی دارد زیرا عیسی بوسیله مرگ خود والاترین محبت بوده است (۳:۱۶؛ ر.ک یو ۱۳:۳۴) و از هم اکنون حقیقت دنیای آینده را در میان مردمان ارائه می‌کند.
- a- فرمان محبت در عیسی تازگی دارد زیرا این فرمان در او اظهار شده است. همچنین این فرمان در ما تازگی دارد زیرا در ایمان بر ما آشکار گردیده است.
- b- اعلام محبت در عیسی مسیح که در جامعه مسیحیت درخشیده است بسان سپیده دم برای جهان بشمار می‌رود.
- c- کینه ورزیدن یا نفرت داشتن، ماندن در تاریکی است؛ یوحنا در ۱۵:۳ خواهد گفت که کینه برابر با آدم کشی است.
- d- بعضی ترجمه می‌کنند: در او چیزی نیست که موقعیتی برای لغزش [کسی دیگر] باشد.
- e- گاهی ترجمه می‌کنند: ای فرزندان کوچک، به شما می‌نویسم: «گناهانتان به خاطر نام او بخشیده شده است...» از نظر قواعد دستور زبان هر دو ترجمه ممکن و صحیح است ولی با توجه به روش نگارش یوحنا و هدف نامه بایستی این آیه و دو آیه بعدی را به صورت اظهارات مثبت و مؤکد تعبیر نمود، نویسنده‌ای به نام بومار می‌نویسد: یوحنا به منظور محافظت مسیحیان در برابر مطالب واهی گنوسی‌ها تأکید می‌کند که مسیحیان دارای زندگی هستند و نه ملحدان.
- f- یعنی به سبب ایمانی که شما به نام عیسی مسیح پسر خدا دارید. ر.ک ۳:۲۳؛ ۵:۱۳؛ یو ۱۲:۱۲؛ ۱۸:۳.
- g- برابر تفسیری که بیشتر شایع است کلمه فرزندان کوچک که در اینجا و در آیات ۱۲-۱۴ آمده و همچنین در هرجای دیگر این نامه خطاب به کلیه مسیحیان است در صورتی که کلمه پدران و جوانان خطاب به طبقات مخصوصی است. چنین به نظر می‌رسد که نام بردن طبقات مختلف به مفهوم آن است که نویسنده به تمامی مسیحیان و به اصطلاح فارسی به همه آنان از خرد و بزرگ خطاب می‌کند (ر.ک اع ۲:۱۷-۱۸). ممکن است یوحنا این طرز گفتار را از متن ارمیای نبی درباره شناخت خدا در پیمان نو الهام گرفته باشد درجایی که نوشته است: همگی آنان از کوچکترین تا بزرگترین مرا خواهند شناخت (۳۱:۳۴).
- h- عبارات شروع کننده این آیه، در نسخ مختلف متفاوتند.

از پدر نیست بلکه از جهان.	نوشته ام ^{hh}	
^{۱۷} ولی جهان می‌گذرد، چنان که حرص او ۱-قرن ۳۱:۷	زیرا شما پدر را شناخته‌اید.	
می‌گذرد؛	ای پدران، به شما نوشته‌ام	
ولی آن که اراده خدا را انجام می‌دهد	زیرا شما شناخته‌اید آن را که از آغاز	
همواره می‌ماند.	هست.	
^{۱۸} ای فرزندان کوچک من،	ای جوانان، به شما نوشته‌ام	
این ساعت پایانی است ^m ،	زیرا شما نیرومند هستید	افس ۱۰:۱۷-۱۱:۱۲
و به طوری که شنیده‌اید ضد مسیح ⁿ ۳:۴؛	و سخن خدا در شما می‌ماند	
مت ۵:۲۴؛	و بر شریر پیروز شده‌اید ^۱ .	
۱-تیمو ۴:۴؛	^{۱۵} به جهان ^۱ و آن چیزهایی که در جهان	روم ۲:۱۲؛
چنان که تاکنون ضد مسیحان بسیار پیدا ۱:۴؛ ۲-یو ۷	است محبت نداشته باشید.	یو ۱۷:۱۴؛
شده‌اند:	اگر کسی محبت به جهان دارد،	یع ۴:۴
از این جا می‌دانیم که ساعت پایانی است.	محبت پدر در او نیست.	یو ۵:۴۲
^{۱۹} ایشان از بین ما بیرون آمده‌اند	^{۱۶} زیرا هر آنچه در جهان است،	
اع ۲۰:۳۰	حرص نفسانی ^k ،	غلا ۵:۲۴؛
ولی از ما نبودند؛	حرص چشمان	تبط ۲:۱۲؛
زیرا اگر با ما بودند، با ما می‌ماندند.	و غرور به زندگی ^۱ ،	۱-پطر ۲:۱۱
ولی برای این بود که آشکار شود که همه ۱-قرن ۱۱:۱۹		
[آنان] از ما نیستند.		

hh- یوحنا برای آنکه اهمیت گفته قبلی را یادآوری و تأیید نماید مجدداً اظهارات آیه قبل را از سرگرفته و اندکی توضیح می‌دهد. بدین گونه می‌توان توضیح داد به چه سبب سه بار فعل نوشته‌ام (ماضی نقلی) را بکار برده است.

i- در این سه آیه نویسنده به مسیحیان یادآوری و تکرار می‌کند که هم اکنون واقعاً در همبستگی با خدا زندگی می‌کنند، گناهانشان بخشیده شده، پدر و پسر را می‌شناسند و بر شریر پیروز شده‌اند. ر. ک ۳:۹؛ توضیح c و ۴:۴؛ توضیح p.

j- منظور از جهانی که یوحنا توصیه می‌کند دوست نداشته باشند، نوع بشر نیست که خدا دوست دارد (۳:۱۶) و نه محیطی که زندگی ما در آن می‌گذرد (یو ۱۷:۱۵)، بلکه مجموعه نیروهای بدی است که دل خود را نسبت به خدا و مسیح بسته‌اند و در پی آنند ما را از انجام مشیت خدا دور کنند (آیه ۱۷؛ ر. ک یو ۱۰:۱۰؛ توضیح q). یوحنا برضد نفوذ چنین جهانی به مسیحیان هشدار می‌دهد. انواع مختلف این نفوذها در آیه ۱۶ ذکر خواهد شد.

k- تحت اللفظی: حرص جسم، در مورد مفهوم کلمه جسم که در نوشته‌های یوحنا آمده است. ر. ک یو ۳:۶؛ توضیح a و مفهومی که این کلمه در نوشته‌های پولس دارد. ر. ک روم ۱:۳؛ توضیح g.

l- منظور از حرص جسم یا حرص نفسانی تمایلات غیراخلاقی طبیعت بشری است؛ حرص چشمان میل به داشتن هر چیزی است که آدمی ببیند و به اصطلاح چشمانش گرسنه باشد؛ اعتماد مغرورانه به اموال عبارت از اعتماد و اطمینان کسی است که زندگی با خوشی و تنعم داشته باشد که او را از توکل به خدا باز دارد.

m- اشاره به آخرین ساعت تاریخ. مسیحیان اولیه همانند یوحنا معتقد بودند که فرا رسیدن این ساعت نزدیک است ولی پیش از آمدن پیروزمندان خداوند موجود منحوسی خواهد آمد که مسیح دروغین (یا ضد مسیح) است که مخالف او بوده و کوشش خواهد کرد پیروان مسیح را فریفته و از راه بدر کند. ر. ک مت ۲۴:۲۳-۲۴=مر ۱۳:۲۱-۲۲؛ ۲-تسا ۳:۲-۴.

n- یوحنا بدون اینکه به تاریخ وقوع این رویدادها علاقمند باشد، که البته به مانند ما آن را نمی‌دانست، کسانی را مسیح دروغین (مسیحان دروغین) می‌نامد که مدتی به جامعه مسیحیت پیوسته و بعداً خارج شده بودند و بقیه مطالب نشان می‌دهد این افراد واعظانی بودند که برضد کلیسا عمل می‌کردند و خود را به عنوان پیامبر مسیحیت «معنوی» معرفی می‌نمودند. همچنین ر. ک ۱:۴-۶.

۲۵ و چنین است وعده‌ای که او به ما داده است: زندگی جاویدان.	۲۰ و شما تدهین ^o شده‌اید که از سوی قدوس است و همگی ^p ، شما می‌دانید.	۲-قرن:۱:۲۱
۲۶ من اینها را به شما نوشته‌ام درباره‌ی آنان که شما را گمراه می‌کنند.	۲۱ من به شما نوشته‌ام، بدان سبب که حقیقت را نمی‌دانید بلکه تا آن را بشناسید	۲-پطرا:۱:۱۲؛ یوه:۵:۳۲؛ یوه:۲:۱۰
۲۷ و شما، تدهینی را که از او دریافت کرده‌اید، در شما باقی می‌ماند و نیازی ندارید که کسی به شما آموزش ^s دهد ^s ، زیرا چنانکه تدهین او همه چیز را به شما می‌آموزد ^t و [این تدهین] حقیقی است و دروغ نیست، و برابر آنچه به شما آموخته است در او بمانید ^u .	۲۲ و این که هیچ دروغی حقیقت نیست. دروغگو چه کسی است غیر از آن که انکار می‌کند که عیسی، مسیح است ^q ؟ آنکه پدر و پسر را انکار می‌کند ضد مسیح است.	یوه:۸:۴۴
۲۸ و اکنون، ای فرزندان کوچک من، در او بمانید تا اگر تجلی کرد اطمینان داشته باشیم	۲۳ کسی که پسر را انکار می‌کند، پدر را هم ندارد. آن که پسر را تصدیق می‌کند، پدر را هم دارد. اما شما، آنچه را از آغاز شنیده‌اید ^r در شما باقی می‌ماند، اگر آنچه از آغاز شنیده‌اید در شما بماند شما هم در پسر و پدر خواهید ماند.	۳:۴-۲:۷ ۱۰:۳۳؛ ۵:۲۳؛ ۲-یوه:۷ ۴:۲، ۱۵ ۲-یوه:۹ ۲:۲۷؛ ۱۵:۷-۱۰؛ ۳:۲۴

^o- تحت اللفظی: روغن تدهین (chrisma همچنین ر.ک ۲:۲۷). منظور یوحنا از این تصویر، سخن خدا است (ر.ک آیه ۲۴ توضیح ^r) که از قدوس یعنی مسیح دریافت شده است (یوه:۶:۶۹) و در اثر عمل روح القدس در آدمی نفوذ می‌کند. عملی که در گفتارهای وداع عیسی به روح القدس نسبت داده شده است: براینکه ایمانداران را در سخنان عیسی، درحقیقت کامل وارد کند (یوه:۱۴:۲۶؛ ۱۳:۱۶). برطبق تفسیر دیگری از این کلمه مستقیماً روح القدس می‌باشد.

^p- «همگی می‌دانید» یعنی: حقیقت را می‌شناسید (ر.ک آیه بعدی و ۲-پطرا:۱:۱۲). در اینجا نظیر آنچه قبلاً گفته شده (ر.ک ۲:۱۳ توضیح ^g) شاید نفوذ و تأثیر ار ۳۴:۳۱ احساس می‌شود که در دوران پیمان نو همه اعضای ملت خدا از معرفت برخوردار خواهند بود و نوشته است: «همگی مرا خواهند شناخت» (قابل توجه این است که در کتاب ارمیا و در نامه یوحنا برای مفهوم شناختن، کلمه یونانی واحدی بکار برده‌اند). در بعضی نسخه‌های خطی نوشته شده است: شما همه چیز را می‌دانید.

^q- بدعتی که مورد نظر یوحنا است بدعتی بود که نظیر یهودیان مقام مسیحایی عیسی به عنوان بشر را انکار نمی‌کرد بلکه می‌خواست مسیح آسمانی را از این موجود بشری که عیسی ناصری نام داشت جدا کند.

^r- این جمله تذکار آموزش مذهبی به هنگام تعمید است (ر.ک ۲:۷، ۱۳؛ ۳:۱۱؛ ۳:۴؛ ۲-یوه:۶).

^s- در اینجا هم یوحنا از ار ۳۴:۳۱ الهام گرفته است: نیازی ندارند به یکدیگر آموزش دهند.

^t- در اینجا اظهار نشده که آموزشی که کلیسا می‌دهد (ر.ک آیه ۲۴ ^r) بیهوده است. یوحنا می‌خواهد بگوید که برای مسیحیان منبع واقعی شناخت و معرفت پیامی است که از آغاز شنیده‌اند و در اثر عمل روح القدس فراگرفته‌اند.

^u- ترجمه ممکن دیگر: مقام گیرید.

فی ۲۰: ۲۱-
لو ۱۳: ۲۷

و شرمسار نشویم از اینکه به هنگام باز آمدنش دور از [او باشیم].

است.

می دانیم که اگر پدیدار شود^W

فی ۲۱: ۳:
کول ۳: ۴:
یو ۱۷: ۲۴:
مکا ۲۲: ۴:

[ما] به مانند او خواهیم بود^X

زیرا او را به همان گونه که هست خواهیم دید^L.

^۳ و هر که در او این امید وجود دارد

خود را منزّه می کند همچنان که او منزّه^۲ است.
۲-قرن ۷: ۱۰

است.

^۴ هرکس گناه می کند

مرتکب بی قانونی هم می شود

زیرا گناه بی قانونی است^Z.

^۵ و [شما] می دانید که او پدیدار شده تا

گناهان را بزیداید؛

و گناهی در او نیست.

^۶ هرکس در او می ماند

گناه نمی کند^a؛

هرکس گناه می کند او را ندیده و

نشناخته است.

یو ۱: ۲۹:
اش ۵۳: ۴-۵، ۹:
۱-بطر ۲: ۲۲-۲۴
یو ۸: ۴۶:
۹: ۱۶، ۲۴، ۳۱
روم ۶: ۱۴، ۱۷-۱۸

عمل کردن به عدالت و دوری از گناه

^{۲۹} اگر می دانید که او عادل است، بدانید

هر [انسانی] که نیز به عدالت عمل

می کند از او زاده شده است.

۱۰-۷: ۳

۱: ۵، ۷: ۴

^۳ ببینید پدر چه محبتی به ما داده که فرزندان خدا نامیده شویم؛

یو ۱: ۱۲

و [ما چنین] هستیم!

بدین سبب جهان ما را نمی شناسد

زیرا او را نشناخته است^V.

^۲ ای عزیزان،

اکنون ما فرزندان خدا هستیم

و آنچه خواهیم شد هنوز پدیدار نگشته

روم ۸: ۱۶:
غلا ۴: ۴-۵:
افس ۵: ۱:

یو ۱۶: ۳:
۱۷: ۲۵:
۱-قرن ۱: ۱۲

۲۸: ۲

۷- فعل شناختن که دو بار بکار برده شده (نظیر ۲: ۳-۴، ۱۳-۱۴: ۳: ۶)، اول به صورت زمان حال و سپس به صورت زمان گذشته است. گرچه تعریف افعال و زمان آنها در زبان یونانی با سایر زبانها [و از جمله فارسی] تطبیق نمی کند (ر.ک ۴: ۷-۸ S: یو ۱۷: ۲۵) ولی طرز انشاء مطالب نشان می دهد که عمل شناختن آغاز شده و بتدریج این شناسایی بیشتر می شود. دنیا قادر نیست خدا را به عنوان پدری بشناسد که در وجود پسرش محبت خود را به ما اعلام می کند (۴: ۸-۹: ۹؛ ر.ک یو ۱۶: ۳؛ ۱۷: ۲۵) و به دلیل بالاتر نمی تواند مسیحیان را در موقعیت فرزندان خدا بشناسد.

W- این جمله را گاهی با توجه به ۲: ۲۸ ترجمه می کنند: وقتی که این امر (موقعیت ما به عنوان فرزندان خدا) آشکار شود.

X- یوحنا موقعیت فرزندی ایمانداران را در دو مرحله تشخیص می دهد: مرحله اول در آغاز زندگی مسیحی صورت می گیرد (یو ۱: ۱۲؛ ۳: ۵؛ ر.ک ۲-قرن ۳: ۱۸)، و سپس تحقق یافتن در پایان روزگار که همانندی کامل با پسر خدا است (ر.ک کول ۳: ۳-۴).

Y- حرف ربط زیرا که در این جمله آمده احتمالاً مربوط به جمله «به مانند او خواهیم بود» نمی باشد بلکه مربوطه به فعل می دانیم است (ر.ک ۱۳: ۱۴، ۲۰: ۴؛ ۱۳: ۱۳) یعنی می دانیم و یقین داریم روزی که پسر خدا را در شکوه و جلال او خواهیم دید به ما اطمینان می دهد که در آن موقع کاملاً به مانند او خواهیم بود. بنابراین عمل دیدن که در این جمله ذکر شده به صورت مشاهده رویایی نیست که بتدریج تغییر نماید چنانکه در آن دوران یونانیان چنین اعتقادی داشتند.

Z- کلمه یونانی که در این عبارت بی قانونی ترجمه شده نظیر کلمه دیگر یونانی است که معمولاً به بی عدالتی و یا بی انصافی برگردانده می شود (ر.ک ۱: ۹: p). در اینجا مفهوم این واژه درباره وقایع دوران واپسین روزگار می باشد چنانکه در نوشته های یهودیان (وصایای دوازده پیامبر بزرگ، متون قمران) و در عهد جدید نیز به همین معنی آمده است (مت ۲۳: ۷؛ ۱۳: ۴۱؛ ۲۴: ۱۲؛ ۲-تسا ۲: ۳، ۷). گناهی که یوحنا برضد آن به ایمانداران هشدار می دهد گناه مسیح های دروغین، گناه بی ایمانی است و هم اکنون بی عدالتی و بی قانونی دنیا که تحت تسلط شیطان است به وسیله آن ظاهر شده است (۳: ۸، ۱۰؛ ۱۹: ۵).

a- رک آیه ۹ توضیح C.

محبت و احسان کردن به مانند

پسر خدا

^{۱۱} زیرا چنین است پیغامی که از آغاز ۷:۲

شنیده‌اید:

که به یکدیگر محبت داشته باشیم.

۲۳:۳
یو:۱۳:۳۴

^{۱۲} نه به مانند قائل

که از شیر بود و برادرش را سر برید.

و به چه سبب سر او را برید؟

زیرا اعمال او شر بود

و از آن برادرش عدالت بود.^f

عبر:۱۱:۴

^{۱۳} ای برادران، تعجب نکنید

اگر جهان شما را منفور می‌دارد.

لو:۲۲:۶
یو:۱۵:۱۸-۱۹
یو:۲۴:۵

^{۱۴} ما می‌دانیم که از مرگ به زندگی

گذشته‌ایم

زیرا به برادران [خود] محبت داریم.

[آنکه] محبت ندارد در مرگ

باقی می‌ماند.

^{۱۵} هر که به برادر خود کینه می‌ورزد مت:۲۱-۲۲

^۷ ای فرزندان کوچک [من]،

هیچکس شما را گمراه نکند:

[آنکه] عدالت می‌کند عادل است

۱۰:۳:۲۹:۲

همچنان که او عادل است.

^۸ آنکه گناه می‌کند از ابلیس است

یو:۳۴:۴۴

زیرا ابلیس از آغاز گناهکار است.

بدین [سبب] پسر خدا پدیدار شده

پید:۱۵:۳

تا اعمال ابلیس را از بین ببرد.^b

مر:۲۴:۱

یو:۳۱:۱۲

۱۱:۱۶

مکا:۱۲-۱۰:۱۲

^۹ هر که از خدا زاده شده است

گناه نمی‌کند

زیرا بذر^c او در وی می‌ماند

و نمی‌تواند گناه کند

زیرا از خدا زاده شده است.^d

^{۱۰} فرزندان خدا و فرزندان ابلیس به این

شناخته می‌شوند:

هر کس عدالت نمی‌کند از خدا نیست،

۲۹:۲

همچنین [کسی که] به برادر خود محبت

ندارد.^e

b- رک آیه ۴ توضیح Z.

c- به نظر بسیاری از نویسندگان، بذر از جانب روح القدس است که عامل آفرینش جدید می‌باشد: کسان دیگری نظیر آگوستین و لوتر بذر را به مفهوم کلام خدا گرفته‌اند و این تفسیر با طرز بیان استعاره‌ای یهودیان و مسیحیان بیشتر تطبیق می‌کند (ر.ک لو:۸:۱۲؛ ۱-۱۲:۱ پط:۲۳-۲۵). گاهی مترادف با روغن تدهین آمده است (۲:۲۰، ۲۷) و بذری که در ما می‌ماند کلام خدا است (۲:۲۴)، آموزشی است که از آغاز شنیده شده (۲:۲۴) یا حقیقت مسیحیت (۲-۲:۲)، اصل و منشأ درونی تقدس است ر.ک ۲:۲۰ توضیح q.

d- این اظهارات قاطع با اندرزهایی که در ۱:۸-۱۰ داده شده در اینکه خود را گناهکار بشناسیم ناسازگاری ندارند. در آنجا یوحنا با واقع بینی تجربیات روزمره را در نظر داشته و در اینجا شرط رسالتی مسیحی بودن را که منتج از عمل خدا است و به وسیله پسرش انجام شده توصیف می‌نماید. بنابر نوشته‌های عهد عتیق نیروی غلبه بر گناه از قانون تورات و از کلام خدا که درون دل عادلان قرار گرفته است ناشی می‌شود (مز:۳۷:۳۱؛ ۱۱۹:۱۱؛ بنسی:۲۴-۲۳؛ ۲۳-۲۴) و پیامبران تصفیه انسان را به وسیله قانونی که در درون او است از مختصات دوران مسیحایی می‌دانستند (ار:۳۱-۳۳؛ ۳۴؛ حز:۲۷-۲۸) یوحنا در نخستین نامه خود این موضوع را که مربوط به ایام آخر است آورده و در اینجا مجدداً ذکر کرده و آن را به ایمان در عیسی مسیح ارتباط می‌دهد: برابر عبارتی که آگوستین ذکر می‌نماید «شخص ایماندار به همان گونه که در او (یعنی در مسیح) بماند» منزه و بی نقص می‌شود. ر.ک ۱۸:۵ توضیح j.

e- ر.ک ۱:۵-۲ توضیح a.

f- این تنها موردی است که این نامه مستقیماً به مطالب عهد عتیق اشاره می‌کند (ر.ک پید:۴-۱-۸). در این قسمت از نامه که درباره محبت است نویسنده داستان نخستین جنایت را یادآوری می‌نماید تا به وسیله ذکر این نمونه، ناسازگاری بین ظلمت و روشنائی را نشان دهد (ر.ک ۲:۸-۱۰ توضیح Z، a، b، c، d). همچنین تفاوت بین دنیای بدی و ایمانداران و اختلاف بین کینه توزی که منجر به آدم کشی می‌شود و محبتی که برادرانه است (۳:۱۳-۱۵)؛ آدمی که خود را به قدرتی تسلیم می‌کند به وسیله آن قدرت رهبری می‌شود.

داشت ^۱	آدم کش است ^g
۲۰ زیرا اگر قلب ما، [ما را] محکوم می کند، ۱۳:۱۸	۴۴:۸ و شما می دانید که زندگی جاودانی در
خدا بزرگتر از قلب ما است، و همه چیز ۱-۸:۳۹	هیچ آدم کشتی باقی نمی ماند.
مز:۷:۱۰	۱۶:۴ [ما] محبت را از این شناخته ایم:
اع:۸:۱۵	که او، [عیسی]، جان خود را به خاطر ما
۲۱ ای محبوبان،	داده است ^h ،
اگر قلب، ما را محکوم نمی کند،	و ما [هم] باید جان [خود] را به خاطر
۱۴:۵	برادران [خود] بدهیم.
عبر:۴:۱۶	۱۳:۱۵
۲۲ و آنچه درخواست کنیم از او دریافت	۱۷ اما آنکه نعمت های این جهان را دارد
ار:۲۹:۱۲-۱۳	و برادر خود را نیازمند می بیند
مت:۷:۸-۷	و رحمت خود را بر او می بندد
یو:۱۵:۷	چگونه محبت خدا در او می ماند؟
می کنیم،	۱۸ ای فرزندان کوچک [من]،
زیرا فرمانهای او را رعایت می کنیم	به سخن و به زبان محبت نکنیم
و آنچه موجب خشنودی اوست انجام	بلکه به عمل و حقیقت ⁱ .
می دهیم ^۱ .	۱۹ ما از اینجا خواهیم شناخت که از حقیقت
۲۳ و فرمان او چنین است:	هستیم
که با ایمان به پسرش عیسی پیوند یابیم ^m	و در برابر او اطمینان قلبی خواهیم
۲۱:۴	بع:۲:۱۴-۱۷
یو:۱۳:۳۴	غلا:۶:۵
۱-تسا:۴:۹	
۱-پطرا:۲:۲۲	
۲۴ در او می ماند و او در وی،	۱-پطرا:۴:۸
یو:۲۴:۲	امت:۱۰:۱۲
۲۳:۱۴	

g- ر. ک ۲:۹ توضیح c.

h- ترجمه تحت اللفظی: به خاطر ما از روح خود صرف نظر کرده است (ر. ک یو:۱۰:۱۱، ۱۵، ۱۷، ۱۸). یوحنا با این عبارت مخصوص نشان می دهد که عیسی جان خود را داوطلبانه و با اختیار کامل داده است.

i- در این عبارت دو جنبه اساسی محبت ذکر شده است: برای اینکه محبت حقیقی باشد باید به وسیله اعمال واقعی و محسوس عملاً نشان داده شود؛ ولی فرد ایماندار، واقعاً مسیحی نخواهد بود مگر اینکه در زندگی، محبت خدا را که در عیسی مسیح تجلی کرده ادامه دهد (آیه ۱۶): چنین محبتی اظهار ایمان و حقیقت در آدمی است (ر. ک ۲-یو-۱) و دوست داشتن به این صورت عبارت از زندگی کردن در حقیقت است (آیه ۱۹: ر. ک یو:۱۸:۳۷).

j- کلمه یونانی که به اطمینان قلبی داشتن برگردانده شده معمولاً به معنی متقاعد کردن، مجاب کردن است ولی از محتوای مطالب برمی آید مفهومی که پذیرفته شده مناسب است.

k- بسیاری از مفسران کهن و همچنین کالوین این آیه را طوری تفسیر می کردند که شدت عمل قاضی متعادل و مطلق (خدا) را توصیف می کند زیرا بهتر از ما گناهان ما را می داند: ولی چنین اعتقادی چگونه موجب اطمینان قلبی ما خواهد بود؟ در صورتی که به نظر لوتر و تقریباً تمام مفسران جدید باید گفت که خدا به وسیله رحمت خود بزرگتر از قلب ما است (ر. ک لو:۱:۴۹-۵۰): اگر ما واقعاً اعمال خیر انجام دهیم خدا با وجود گناهانمان آن را در درون قلب ما تشخیص خواهد داد (یو:۲:۱۷). ر. ک ۱-پطرا:۴:۸: (به چشم خدا) محبت تعداد زیادی از گناهان را می پوشاند.

l- ر. ک ۵:۱۵ توضیح g.

m- تحت اللفظی: که به نام پسرش عیسی مسیح ایمان داشته باشیم در این نامه نویسنده برای نخستین بار فعل ایمان داشتن را بکار می برد تا قسمت ۱:۴-۶ نامه را که مختص به ایمان و تشخیص روحیه ها است آماده کند (ر. ک ۱:۴). ولی هنوز موضوع ایمان باطنی مطرح نیست که در ۱:۵-۱۳ خواهد آمد بلکه پیوستن جمعیت مسیحیان به یک بیان ایمان است.

۱۳:۴
۹:۸ روم

و بوسیله روح [القدس]ⁿ که به ما داده است
این را می دانیم که او در ما است.

که شنیده اید می آید

ع:۲۰:۲۹
۲-تسا:۷

و هم اکنون از قبل در دنیا است.

[شما]، ای فرزندان کوچک، شما از

خدا بید

و بر آنان پیروز شده اید^p،

۵:۵

مکا:۷، ۱۱،

۲۶:

۳:۵، ۱۲، ۲۱:

مت:۱۷:۱۴، یهو:۳

مت:۱۲:۲۹

یو:۱۵:۱۸-۱۹

۱۴:۱۷

تشخیص روح ها

بوسیله ایمان به عیسی مسیح

ای محبوبان،

تث:۱۳-۲:۶

ار:۲۳-۲۱:۲۲

۹:۸-۸:۲۸

مت:۷:۱۵-۲۰

یو:۸:۴۲-۴۷

افس:۵:۸-۱۰

کول:۲:۸

۴

به هر روحی باور نداشته باشید

بلکه روح ها را آزمایش کنید

که آیا از خدا هستند؛

زیرا بسیاری انبیای دروغین در دنیا

پراکنده شده اند.

۷:۲-۲

مت:۲۴:۴-۵، ۲۴:

۲-یطر:۱

روح خدا را در این بشناسید:

هر روحی که اقرار می کند عیسی مسیح

جسماً آمده است،

از خدا است،

۱-قرن:۱۲:۳

۱-تیمو:۶:۱۳-۱۳

۲:۲۱-۲۰

۲-تیمو:۱۳:۱۴

و هر روحی که عیسی^o در جسم آمده رااقرار نمی کند^{oo}

از خدا نیست؛

و از ضد مسیح است

۲۳-۲۲، ۱۸:۲

محبت از خدا می آید

و در ایمان ریشه می کند

ای محبوبان،

ایشان از جهان هستند

بدین سبب بر طبق جهان سخن می گویند

و جهان به ایشان گوش می دهد.

ما از خدا هستیم،

۳۷:۱۸ یو

[آنکه] خدا را می شناسد^q به ما گوشمی دهد^r.

آنکه از خدا نیست به ما گوش نمی دهد.

۸:۴۷ یو

۲۶:۲۷-۲۶

۴-تیمو:۴

۲-یطر:۱۸

بدین گونه روح حقیقت و روح گمراهی را

می شناسیم.

محبت از خدا می آید

و در ایمان ریشه می کند

ای محبوبان،

n- نظیر کلمه ایمان داشتن در آیه قبلی، کلمه روح القدس برای نخستین بار در این نامه بکار برده شده است. ظاهراً یوحنا اشاره ای به موهبت نکرده و حتی مستقیماً به تجربه شخصی روح القدس در ما اشاره نمی نماید (ر. ک روم:۸:۱۶) بلکه بیشتر روح القدس را در نظر دارد که موجد بیان ایمان ما و برانگیزاننده محبت برادرانه در ما است (آیه ۲۳) و بنا براین می توانیم تشخیص دهیم که در همبستگی با خدا هستیم.

o- در برخی نسخه ها چنین آمده است: «عیسی مسیح».

oo- در بیشتر نسخه های خطی متن عبارت به همین گونه است ولی در بعضی از نسخه ها نوشته شده است: هر روحی که عیسی را تقسیم می کند. و بعضی از مفسران این عبارت را که ابتدایی تر است پذیرفته اند.

لازم به یادآوری است یوحنا در این مورد بدعتی را محکوم می کند که مسیح، موجود آسمانی و شکوهمند را از عیسی، فرد انسانی که زندگی کرده و در میان ما مرده است از یکدیگر جدا می کند، طرفداران این بدعت عملاً راز تن گیری را انکار می کردند. ر. ک مقدمه و ۲:۲۲ توضیح q.

p- این عبارت اشاره به پیروزی ایمانداران بر مسیح های دروغین است: زیرا در برابر جاذبه دروغین آنان مقاومت کرده و پابرجا در طریق حقیقت باقی مانده بودند. ر. ک ۲:۱۳-۱۴، ۱۸-۲۱. یوحنا که این مخالفت را در زمان حال توصیف می کند جنبه واپسین روزگار این موضوع را یادآوری و تأکید می نماید (مکا:۱۷:۱۴؛ ر. ک ۷:۲، ۱۱، ۲۶ و غیره)؛ مسیحیان با مسیح (یو:۱۶:۳۳)، هم اکنون پیروزمند هستند چنانکه به موهبت سخن خدا که در ایشان است (۲:۱۳-۱۴) و به فیض ایمان خود پیروزمند می باشند (۵:۴-۵؛ ر. ک مکا:۱۲:۱۱، ۱۷).

q- در اینجا به مانند آیه بعدی، فعل به صورت ماضی مطلق نیست بلکه مضارع و زمان حاضر است (ر. ک آیه ۷ توضیح s).

r- در این آیه گفتار رسولان در برابر سخنان دروغین ارائه شده است: منظور از: آنکه خدا را می شناسد، فرد ایماندار واقعی است و به کسانی گوش می دهد که پیام انجیل را می آورند.

۲۳:۱۱:۳ ۱۱:۴	به یکدیگر محبت کنیم، زیرا محبت از خدا است و هر کس محبت می کند	اگر ما به یکدیگر محبت کنیم، خدا در ما جای دارد و محبت او در ما کامل می شود.
۱:۵:۲۹:۲	از خدا زاده شده و خدا را می شناسد ^S .	^{۱۳} بدین وسیله می دانیم که ما در او جای داریم و او در ما:
۱۶:۳	^۹ محبت خدا نسبت به ما چنین آشکار شد: که خدا پسر یکتای خود را به جهان فرستاد	به اینکه از روح خود ^W به ما داده است. ۱-قرن ۱۲:۳ و ما مشاهده کرده ایم و گواهی می دهیم ۱:۲ که پدر پسر را [به عنوان] منجی جهان فرستاده است. ۳:۱۷:۳ ۴:۴
افس:۹:۴ ۵-۴:۲ کول:۱۳:۲	تا بوسیله او زندگی بیابیم. ^{۱۰} و محبت در این است که: نه آنکه ما به خدا محبت داشته ایم، بلکه اینکه او به ما محبت داشته	^{۱۵} هر که اقرار می کند عیسی ^{WW} ، پسر خدا است، ۳۵، ۲۲:۹ روم ۹:۱۰ خدا در او و او در خدا جای دارد. ۲:۲۳:۲ ۹-۲ یو
۱۹:۴	و پسر خود را به خاطر کفاره ^V گناهان ما فرستاده است.	^{۱۶} و ما محبتی را که خدا به ما دارد شناخته و [به آن] ایمان آورده ایم ^X . خدا محبت است ۸:۴
۱۹-قرن ۵:۵	ای محبوبان، اگر خدا چنین محبتی به ما داشته، ما هم باید به یکدیگر محبت داشته باشیم.	و [آنکه] در محبت باقی می ماند در خدا جای دارد و خدا در او جای دارد. ۱۲:۴ محبت بدین گونه در ما کمال می یابد:
مت:۱۸:۳۳ خروج:۲۰:۳۳ یو:۱۸:۱۰ ۱-تیمو:۱۶:۶	^{۱۲} هرگز کسی خدا را مشاهده نکرده است؛	که ما در روز داوری اطمینان داشته باشیم، ۲۸:۲ زیرا به همان گونه که او هست

S- در اینجا نظیر آیه ۶ فعل شناختن به صورت مضارع و زمان حاضر ترجمه شده است ولی این فعل در زبان یونانی به طوری صرف می شود که نشان می دهد عمل شناختن رفته رفته بیشتر می شود؛ اگر فرد ایماندار واقعاً از خدا زاده شده و محبت برادرانه را اعمال می کند خدا را می شناسد (ر.ک آیه ۸) و محبت خدا را تجربه و درک می نماید.

t- ر.ک ۱:۳ توضیح V.

u- این عبارت یکی از سه تعریف مشهوری است که یوحنا در توصیف خدا گفته است (ر.ک یو:۴:۲۴؛ خدا روح است؛ ۱-یو:۱۵؛ خدا روشنائی است). یوحنا که در اینجا (همچنین ر.ک ۱۶:۴) می گوید خدا محبت است منظورش آن نیست که وجود الهی را به صورت مجرد و معنوی تعریف کرده باشد، بلکه یادآوری می کند که در وجود پسرش به صورت خدایی که محبت دارد ظاهر شده است (آیات ۹-۱۱). با این همه محبتی که بدین گونه در تاریخ نجات ظاهر شده در عین حال تظاهر محبت پدر نسبت به پسرش می باشد (یو:۳:۳۵؛ ۵:۲۰؛ ۱۰:۱۷؛ ۱۵:۹؛ ۱۷:۲۶)؛ به عقیده یوحنا هر محبتی از سوی خدا می آید (آیه ۷) و در بین ما انعکاس زندگی شخصیت های سه گانه اقدس می باشد.

v- ر.ک ۲:۲ توضیح u.

w- ر.ک ۲۴:۳ توضیح n. در این نامه همواره موهبت روح القدس به ایمان وابسته است: بدین معنی که روح القدس الهام کننده پیام و گواهی رسولان (آیه ۱۴)، بیان ایمان در میان جمعیت مسیحیان (آیه ۱۵) و شناسایی ایمان در نزد تمام ایمانداران است (آیه ۱۶ الف). این عمل روح القدس در بین مسیحیان معیار همبستگی آنان با خدا است. (ر.ک آیات ۱۵، ۱۶ ب و پ).

ww- در برخی نسخه ها چنین آمده است: «عیسی مسیح».

x- به طوری که مشاهده می شود افعال شناختن و ایمان آوردن به صورت ماضی نقلی آورده شده اند. لازم به یادآوری است که شناختن و ایمان آوردن یکی نیستند بلکه ایمان در شناختن شکوفا می شود (ر.ک یو:۶:۶؛ ۸:۳۱-۳۲؛ ۱۰:۳۸). از این پس مسیحیان به وسیله ایمان خود محبت خدا را که تجلی کرده است می شناسند (۱۶:۳).

ما هم در این دنیا [به همان گونه] هستیم^{۱۸}.

در محبت ترس نیست،

بلکه محبت کامل ترس را بیرون می کند،^{۲۰:۳}
۱۵:۸ روم

زیرا ترس عذاب در بر دارد

و [آنکه] می ترسد در محبت کامل نیست.

ما محبت می کنیم،^{۱۹}

چون که نخست او به ما محبت کرده است.^{۱۰:۴}

اگر کسی بگوید: «خدا را دوست دارم»^{۲۰}

ولی نسبت به برادرش نفرت می ورزد،^{۲۴-۲۳:۵}

او دروغگو است؛^{۴:۲}

زیرا [آنکه] به برادرش که او را می بیند

محبت نمی کند،

نمی تواند به خدایی که نمی بیند^۲ محبت

نماید.

و چنین است فرمانی که از او داریم:^{۲۱}

که [هر آنکه] به خدا محبت دارد^{۲۳:۳}

به برادر خودش هم محبت می کند.^{۱۳ قرن}

ایمان به پسر خدا،

ریشه نوع دوستی

هر که ایمان دارد که عیسی، مسیح^۵

است

از خدا زاده شده،

و هر کس والد را محبت می کند^{۱-۱ پطرا:۲۲-}

[آن را] که از او زاده شده نیز محبت می

کند^{۲۳}.

از اینجا می شناسیم که فرزندان خدا را

محبت می کنیم:

وقتی که خدا را محبت می کنیم

و فرمانهای او را بکار می بندیم^b.

زیرا محبت خدا چنین است:^۳

که فرمانهای او را رعایت کنیم،

و فرمانهای او سنگین نیستند،^{۱۵:۱۴}

زیرا هر آنچه از خدا زاده شده بر جهان^{۱۰:۱۵}

پیروز است^c

و آن پیروزی که بر جهان پیروز شده ایمان^{۱۴-۱۳:۲}

ما است.^{۴:۴}

و پیروزمند بر جهان چه کسی است^{۱۱:۱۲}

غیر [از آنکه] ایمان دارد که عیسی پسر^{۱۴:۱۷}

خدا است؟^{۱-۱ قرن:۱۵}

اوست که به آب و خون آمده است،^{۱۶:۶}

عیسی مسیح،

نه فقط به آب

بلکه به آب و به خون؛^{۳۴:۱۹}

y- فرد ایماندار به همین سبب که محبت می ورزد و در محبت باقی می ماند (آیه ۱۶)، نظیر عیسی است که در او محبت خدا متجلی شده است؛ با این شباهت فرد ایماندار می تواند با اعتماد کامل در برابر داوری حاضر شود. ر. ک ۱۸:۳-۲۱.

z- نظریه یوحنا مبتنی بر تجربه روانشناسی نیست که برطبق آن: آسان تر است آدمی برادر مرئی خود را دوست بدارد تا اینکه به خدای نامرئی محبت بورزد، وانگهی این نظریه رد شده است. وی حقیقتی از علم الهی را بیان می کند: بدین معنی که اگر محبت ما برای خدا شرکت در محبت او نباشد (ر. ک ۸:۴ توضیح u) و در خدمت به مردم اظهار شود در نظر خدا واهی و باطل است. ر. ک مت ۲۵:۴۰، ۴۵.

a- آدمی به وسیله ایمان به عیسی مسیح، پسر خدا (آیه ۵) فرزند خدا می شود (۱:۳؛ ر. ک یو: ۱۲-۱۳) و بنابراین برادر هر کسی است که خدا را دوست دارد، زیرا نمی توان مدعی دوست داشتن خدا بود بدون اینکه کسانی را که پدرشان خدا است دوست داشت.

b- در این آیه مهم و اساسی نشان داده شده است که بین جنبه افقی محبت یعنی محبت برادران و جنبه عمودی آن یعنی محبت خدا وحدت کامل وجود دارد. محبت نسبت به برادران از محبت خدا منتج می شود و حتی بیان و ابراز آن محبت است. زیرا فرد مسیحی برادران خود را به عنوان فرزندان خدا دوست دارد (آیه ۱). پایه و مبنای محبت او ایمان اوست. از سوی دیگر معیار واقعی بودن محبت نسبت به خدا باید همواره اجرای مشیت خدا و رعایت فرمانهای او باشد که مخصوصاً به مسیحیان محبت برادرانه را توصیه می کند (۲۳:۳).

c- ر. ک ۴:۴ توضیح p.

۲۶:۱۵ و روح [القدس] است که گواهی می دهد
 زیرا روح [القدس] حقیقت است.^d
 زیرا گواهی دهندگان سه هستند^{dd}،
 ۱۷:۱۴ یو
 ۱۳:۱۶:۲۶:۱۵

^hروح [القدس]، آب و خون،
 و شهادت این سه، یکی است.^e
 اگر گواهی انسان ها را دریافت می کنیم،
 ۳۳:۳ یو
 ۳۴:۵

گواهی خدا بزرگتر است،
 زیرا گواهی خدا چنین است:
 که در مورد پسرش گواهی داده است.
 ۳۷:۵ یو

^{۱۰}[آنکه] به پسر خدا ایمان آورده است
 گواهی را در خود دارد؛
 [آنکه] [به خدا] ایمان ندارد
 او را دروغگو شمرده است،
 ۲۴:۵ یو

زیرا به گواهی که خدا درباره پسرش
 شهادت داده ایمان نیاورده است.
 ۴۰، ۳۷:۵ یو

^{۱۱}و گواهی چنین است:
 که خدا به ما زندگی جاویدان داده است،
 ۲۲:۲۱ مت
 ۱۴:۱۴ یو
 ۲۴:۱۶:۷:۱۵
 ۵:۱ یع

گفتار پایانی

^{۱۳}این را به شما نوشته ام

تا بدانید که شما زندگی جاویدان دارید،
 ۳۱:۲۰ یو
 شما که به نام پسر خدا ایمان دارید.^f

^{۱۴}و چنین است اطمینانی که ما نزد او
 داریم:

اگر چیزی که برطبق اراده اوست
 درخواست کنیم،
 به ما گوش می دهد.

^{۱۵}و اگر می دانیم که به ما گوش می دهد
 هر چه اگر درخواست می کنیم،

می دانیم که درخواست هایی را که از او
 طلبیده ایم داریم.^g

d - ذکر آب و خون در این آیه به دو نوع درک و تفسیر شده است: الف) آب یادآور تعمید عیسی و خون یادآور مرگ او بر روی صلیب است. ب) ممکن است آب و خون یادآور واقعه ای باشد که در یو ۱۹:۳۴ روایت شده است. ولی با توجه به اطلاعاتی که در متن وجود دارد باید ترکیبی از دو توضیح بالا در نظر گرفته شود. در مقابل عقیده باطل کسانی که مسیح شکوهمند را که در کنار رودخانه اردن متجلی شده بود (آب) از عیسیائی که بر صلیب مرده بود (خون) از یکدیگر جدا و مجزا می دانستند، یوحنا حقیقت قربانی شدن عیسی مسیح و پسر خدا را اعلام و تأیید می کند ولی این وقایع تاریخی را به وسیله رمز و اشاره، آب و خون بر صلیب یادآوری می نماید که در آنها نویسنده واقعیت جامعه مسیحیت را دیده است (رک آیه ۸).

در مورد گواهی درونی روح القدس، منظور آن است که اهمیت نجات و حقیقت وقایعی که در اینجا یاد شده به فرد مسیحی نشان داده شده و بدینسان او را به شناختن عیسی مسیح رهبری می نماید. بنابراین روح القدس حقیقت است زیرا می دانیم که به وسیله او حقیقتی که عیسی آورده در کلیسا حضور دارد و فعال است.

dd - در برخی نسخه ها، چند کلمه افزون تر دارد.

e - تحت اللفظی: سه به سوی یک هستند. در آیه ۶ نویسنده درباره زمان گذشته سخن می گفت در صورتی که در اینجا سخن از گواهی دائمی در زندگی کلیسا است. معمولاً موضوع این آیه را به مفهوم تعمید (آب) و آیین سپاسگزاری (خون) تفسیر می کنند و این گواهی روح القدس افزوده می شود. یوحنا با ذکر اینکه سه گواه به نفع عیسی گواهی می دهند (برطبق اصول قضایی که در عهد عتیق مقرر شده است: تث ۱۹:۱۵؛ ر. ک اعد ۳۵:۳۰) می خواهد یادآوری کند که خدا برای پسر خود، در محاکمه ای که در مقابل دنیا دارد در برابر آدمیان اعتبار کافی قائل شده است. ولی این سه گواه بالاخره یک گواهی می دهند: اینکه خدا به وسیله او زندگی الوهیت خود را آشکار کرده و آن را به ما منتقل نموده است (آیه ۱۱).

f - در این آیه که جنبه نتیجه گیری دارد، موضوع اصلی و اساسی نامه مجدداً به صورت خلاصه ذکر شده است: بدین معنی که نویسنده خواسته است مسیحیان را که به سبب عقاید باطل متزلزل می شوند کاملاً به ارزش و غنای ایمان خود آگاه سازد. ضمناً بدین منظور در نتیجه گیری خود سه بار با لحنی پیروزمندانانه اعلام می کند: می دانیم... (آیات ۱۸-۲۰).

g - امتیاز فرد ایماندار در این است که اطمینان دارد سخن او شنیده شده و دعایش برآورده می شود (۲۲:۳). ر. ک مت ۷:۷-۱۱ و متون متوازی). ریشه این اعتماد در ایمان او است و در اینکه خواسته او با اراده الهی تطبیق می نماید. فرد ایماندار که مطلقاً

	می کند و شریک بر او دست نمی یابد.	۱۶ اگر کسی می بیند برادرش گناهی می کند که منجر به مرگ نمی شود ^h ،	اعد۱:۳۰؛ ۲۲:۱۸
۴۷:۸؛ ۱۳:۱ کول	۱۹ ما می دانیم که از خدا هستیم و تمام جهان تحت [قدرت] شریک است.	درخواست کند و [خدا] به وی زندگی خواهد داد؛	
	۲۰ ولی می دانیم که پسر خدا آمده و به ما بصیرت داده است ^l	به کسانی که گناهشان منجر به مرگ نمی شود.	
افس:۱-۱۷-۱۸؛ کول:۱۰	تا حقیقت را بشناسیم؛ و ما در پسر او عیسی مسیح، در حقیقت هستیم.	گناهی هست که منجر به مرگ می شود؛ در مورد آن نمی گویم که نیایش کنید.	عبر:۴-۶؛ ۲۷-۲۶:۱۰؛ ۲-۲۰:۲-۲۱
مکا:۳؛ یو:۲۰-۲۸؛ روم:۹؛	او است خدای حقیقی ^m و زندگی جاویدان. ای فرزندان کوچک، خود را از بتها حفظ کنید ⁿ .	۱۷ هر بی عدالتی ⁱ گناه است، و گناهی هست که منجر به مرگ نمی شود.	
۲-پطرس:۱۷؛		۱۸ می دانیم هرکس از خدا زاده شده است گناه نمی کند؛ ولی [آنکه] از خدا زاده شده ^k او را حفظ	یو:۱۷:۱۵؛ یهو ^۱

در اندیشه آن است که فرمانهای خدا را اطاعت نماید به آنچه خوشایند خدا است توجه می کند و نمی تواند چیزی درخواست نماید که با این اراده تطبیق نداشته باشد و با نظریات او هم آهنگ نباشد. در این نوع نیایش خدا روح خود را می شناسد (روم:۸-۲۶-۲۷).

h- منشأ این عبارت عهد عتیق است (تث:۲۲:۲۶). مرگی که در اینجا ذکر شده مرگ واپسین روزگار یا مرگ ثانوی است (مکا:۲۰:۶، ۱۴). به نظر بعضی از مفسران گناهی که منجر به مرگ می شود روی گرداندن از مسیحیت یعنی ارتداد است. ولی به طوری که از محتوای کلی متن برمی آید منظور بدعت و عقاید باطل است که با تقسیم کردن عیسی (۳:۴) همبستگی با خدا را غیر مقدور ساخته و به انهدام روحانی قطعی منجر می شود. موضوع این متن نزدیک به مطالبی است که در مت ۱۲:۳۱-۳۲ و مشابه آن در اناجیل نظیر ذکر شده و درباره کفر گفتن علیه روح القدس می باشد.

i- ر. ک ۱:۹ توضیح **p** در اینجا منظور نویسنده گناه مسیحیان دروغین است که به مرگ هدایت می کند (ر. ک آیه ۱۶ توضیح **h**).
j- دیگر گناهی نمی کند از لحظه ای که «از خدا زاده شده خود را به تمامی به مسیح تسلیم کرده است که به وسیله نسبت به پدر فرزندی در او اقامت دارد» ر. ک ۳:۹ توضیح **d**.

k- یعنی عیسی پسر خدا (ر. ک ۳:۸).

l- در اینجا کلمه بصیرت به معنی نیروی شناسایی خدا است و چنانکه در ۳:۲ ذکر شده داشتن رابطه نزدیک و شخصی با او و زندگی کردن در همبستگی با او است. این کلمه به همان مفهوم قلب نو یا قلب جسمانی (حزق ۱۱:۹؛ ۲۶:۳۶) یا ژرفای وجود است (یو:۳۳:۳۱). در دوران عهد جدید، خدا وعده داده بود که قانون خود را در آن بگذارد و بنویسد. همین امر که خدا اکنون به ما این بصیرت را داده است بدان معنی است که در عیسی مسیح این دوران فرا رسیده است (ر. ک ۲-۳:۳؛ همچنین روم:۸-۱-۴ را ملاحظه کنید).

m- چنین به نظر می رسد که این اظهارات، نظیر قسمت اول این آیه مربوط به خدا نیست بلکه درباره مسیح می باشد که خدا در او ظاهر شده است. تکرار کلمات حقیقی ما را وادار می کند آن را به عنوان اسم بپذیریم چنانکه گاهی ترجمه می کنند او است آن حقیقی.

n- در حزق ۱۱:۱۹-۲۱؛ ۲۵:۲۶-۲۶ نظیر اینجا، اعطای قلب نو کاملاً بستگی به انهدام بتها دارد. اسرائیل جدید باید به وسیله روح خدا تصفیه گردد. در این قسمت از نتیجه گیری نامه کلمه بتها به معنی مجازی آمده و به مفهوم آموزش مسیحیان دروغین و حقایق شیطانی است که آدمی برای خود رب النوع دروغ ساخته و بدان دل «می بندد» (حزق ۱۱:۲۱) و ایمان خود را از بین می برد، بنابراین مجموعه این قسمت نتیجه گیری و پایان نامه، مجدداً موضوع اساسی عهد جدید را یادآوری می کند. نیز در برخی نسخه ها، در آخر آیه، «آمین» آمده است.

دومین نامه یوحنا

۳- یو، ۱:۱۳، ۱- بطر ۵:۱۳ ۱- یو: ۱۸:۳ افس ۴:۱۵	از پیر ^a به بانوی برگزیده ^b و فرزندان او، که [به آنان] من در حقیقت ^c محبت دارم - و نه فقط من بلکه همه آنان که حقیقت را شناخته اند ^d ، به دلیل حقیقتی که در ما جای دارد ^e و به روزگار با ما خواهد بود ^f ؛ لطف و مرحمت و صلح ^۳ از سوی خدای پدر و از سوی عیسی مسیح، پسر پدر با ما خواهد بود، در حقیقت و در محبت. خیلی شادمان شده ام ^۴ که دریافته ام [بعضی] از فرزندان تو برطبق حقیقت رفتار می کنند ^g ،
۳۲:۸ ۱- یو: ۲۱:۲	برابر فرمانی که از پدر دریافت کرده ایم. ۱- یو: ۴:۲۱ ه و اکنون، ای بانو، از تو خواهشمندم - و این فرمان تازه ای نیست که به تو می نویسم، بلکه همان است که از آغاز داشته ایم ^h ، که به یکدیگر محبت داشته باشیم. ۱- بطر ۴:۸ و محبت چنین است: که برطبق فرمانهای او رفتار کنیم. ۱- یو: ۳:۲۳ چنین است فرمان به همان گونه که از آغاز شنیده اید: که در آن رفتار نمایید. زیرا بسیاری از گمراه کنندگان به جهان ^۷ بیرون شده اند که اقرار نمی کنند عیسی ۲- بطر ۲:۱۰ مسیح در جسم آمده است: ۱- یو: ۲:۲۲
۱۷-۱۶:۱۴ ۱- تیمو: ۲:۲ ۲- تیمو: ۲:۲	
۳- یو: ۴-۳	

- a- [این کلمه را می توان شیخ، ارشد و غیره ترجمه کرد]. نویسنده احتمالاً این عنوان را به مفهومی که در کلیساهای آسیا رایج بوده یعنی برای نخستین شاهدان سنت رسولی بکار برده است. ر.ک مقدمه.
- b- منظور از بانوی برگزیده یکی از کلیساهای محلی است که معلوم و مشخص نشده کدام کلیسا است. این کلیسا برگزیده است (همچنین ر.ک آیه ۱۳) چرا که از ایماندارانی تشکیل شده (ر.ک ۲- تیمو: ۲:۱۰؛ تیطا: ۱) که وارث قوم برگزیده می باشند (۱- بطر ۲:۹).
- c- ترجمه دیگر: در روشنائی حقیقت. درباره این کلمات در آیه بعدی توضیح داده شده است (ر.ک آیه ۲ توضیح e).
- d- این عبارت تا اندازه ای جنبه بحث و مجادله دارد (ر.ک ۱- تیمو: ۴:۳) و معرف کسانی است که ایماندار واقعی می باشند. این افراد برخلاف گمراه کنندگان (آیه ۷) در حقیقت و در تعلیمات و نظریات مسیح، محکم و پابرجا باقی مانده اند (آیه ۹).
- e- یوحنا اکثراً یادآوری می کند که باید بگذاریم سخن خدا در ما نفوذ و عمل کند (یو: ۸:۳۷؛ ۱- یو: ۸:۱۰، ۴:۲؛ ۱۴، ۲۴؛ ر.ک ۱- یو: ۲:۲۷؛ ۳:۹، ۱۸ و توضیحات مربوطه). حقیقتی که در دلهای ما وجود دارد منبعی می شود که محبت مسیحی از آن تغذیه می نماید: همان چیزی که نویسنده آن را در حقیقت محبت (آیه ۱)، در حقیقت و در محبت (آیه ۳) می نامد.
- f- در اوضاع و احوال تاریخی که ایمان مسیحیت مورد تهدید قرار گرفته بود، یوحنا به مسیحیان خود اطمینان می دهد، در سرتاسر راهی که بر روی زمین طی می کنند و تا موقعی که دوران واپسین روزگار به تمامیت برسد حقیقت آنان را همراهی و یاری می کند (ر.ک ۲- بطر: ۱:۱۲، ۱۹). همین موضوع چندین بار در جاهای دیگر عهد جدید به صورت اندرز و تشویق به پایداری در ایمان آمده تا هنگامی که روز خداوند فرا رسد (اع: ۲۲:۱۴؛ ۱- قرن: ۸:۱؛ کول: ۱:۲۳؛ ۲- تیمو: ۳:۱۴-۱۵).
- g- تحت اللفظی: که در حقیقت قدم برمی دارند یعنی در روشنائی فرمان محبت که از خدا آمده است زندگی می کنند (ر.ک آیه ۶ قسمت آخر).
- h- ر.ک ۱- یو: ۷-۸، ۲۴ و توضیحات مربوطه.

مت ۱۰:۱۴: روم ۱۶:۱۷: تیط ۳:۱۰:	او را در خانه نپذیرید و به او خوشامد نگویید. ^m	[کسی که چنین می گوید] گمراه کننده و ضد مسیح است. ⁱ
۱- تیمو ۵:۲۲: مکا ۱۸:۴:	۱۱ زیرا [آن که] به او خوشامد می گوید در کارهای شرّ او شرکت دارد. ⁿ	۸ مواظب خودتان باشید تا آنچه کرده ایم از بین نرود، بلکه اجرت کامل دریافت نمایید.
۳- یو ۱۳:	۱۲ با آن که چیزهای زیادی دارم که به شما بنویسم نخواستم آنها را با کاغذ و مرکب [بیاورم].	۹ هر که به جلو می رود ^k بدون اینکه در آموزش مسیح بماند، خدا را ندارد.
۳- یو ۱۴:	ولی امیدوارم به نزد شما بیایم و با شما رو برو صحبت کنم تا شادی ما به تمام باشد.	[آن که] در آموزش باقی می ماند [او] پدر و پسر را دارد. ^l
۱- یو ۴:	۱۳ فرزندان خواهر برگزیده ات ^o به تو سلام می رسانند. ^{oo}	۱۰ اگر کسی به سوی شما می آید و حامل این آموزش نیست،

i- ر. ک ۱- یو ۲:۱۸-۱۹، ۲۲، ۲۶: ۴-۱-۳.

j- گاهی برطبق بعضی از نسخه های خطی ترجمه می کنند: آنچه کرده اید. پولس که با نظر دیگری به این موضوع می نگرد ایمان و اعمال را از یکدیگر متمایز و حتی مختلف تشخیص می دهد؛ در صورتی که یوحنا کلیه اعمال فرد ایماندار را عمل ایمان می شمارد (ر. ک یو ۶:۲۹): لذا در اینجا، این اعمال به مفهوم بیان ایمان در عیسی مسیح و وفاداری به آموزشهای او است (آیات ۷، ۹): ضمناً عبارت: تا آنچه کرده ایم از بین نرود بلکه اجرت کامل دریافت کنیم باید به مفهوم ایام آخر درک شود.

k- منظور اشاره به حکمای دروغین است که از آموزشهایی که در آغاز شنیده اند فراتر می روند (آیات ۵-۶).
l- ر. ک ۱- یو ۲۳:۲۴-۲۴.

m- نویسنده منع نمی کند به کسی که مرتد است خوشامد گفته شود ولی او را در خانه خود پذیرفتن و نظیر یک برادر به او خوشامد گفتن یا با او روابط همبستگی داشتن را منع می نماید (ر. ک آیه ۱۱). این سخت گیری در نوشته های پولس نیز وجود دارد (مثلاً ۱- قرن ۵: ۶، ۹) و بدان سبب لازم است که پاکی و صفای ایمان مسیحی را نگهداشته آن را از آرایش با عقاید بدعت آمیز حفظ نمایند.

n- در اینجا منظور از کارهای شرّ اعمالی نیست که فقط از نظر اخلاقی تقبیح شده باشد (مثلاً فقدان محبت برادرانه) بلکه هرگونه رفتار کفر و الحاد می باشد یعنی نپذیرفتن حقیقت مسیح و انتشار مطالب دروغ؛ ر. ک آیه ۸ توضیح j.

o- منظور از خواهر برگزیده کلیسایی است که پیر (یوحنا) به آن تعلق دارد. به سبب اتحاد معنوی و همبستگی که بین کلیساهای مسیحی وجود دارد می توانند یکدیگر را خواهر بشمار آورند (ر. ک ۱- یو ۳).

oo- در برخی نسخه ها، در آخر آیه، «آمین» آمده است.

سومین نامه یوحنا

۲-یو ۱ از پیر^a به غایب^b، محبوبی که من در حقیقت [به او] محبت دارم.^۲ ای محبوب^c، آرزومندم از هر حیث موفق باشی و همان گونه که روحت موفق است سلامت باشی.

۷-فیل ۳ زیرا خیلی شادمان شده ام، برادران آمدند^d و به حقیقت تو گواهی دادند^e، به طریقی که تو در حقیقت رفتار می کنی^f.

۲-یو ۴ من شادمانی بزرگتر از اینها ندارم که بشنوم فرزندان من در حقیقت رفتار می کنند^g.^۵ ای محبوب، تو در آنچه

برای برادران و [آنچه] برای بیگانگان مت ۱۰:۴۱-۴۲ می کنی به طریق ایمان [رفتار] می نمایی؛^۶ ایشان از محبت تو^h در برابر کلیسا^۱ گواهی داده اند. تو به طریقی که شایسته^۱ خداست در مورد مسافرت ایشان رو ۱۵:۲۴-۱۳:۳ تبیط نیکی کن؛^۷ زیرا به خاطر نام^۱ [خدا] رفته اند، بدون آنکه هیچ چیز از مشرکان دریافت کنند.^۸ پس ما باید از چنین [کسانی] پشتیبانی کنیم^k تا همکاران [ایشان] برای حقیقت^۱ باشیم.

- a- ر. ک ۲-یو ۱ توضیح a.
- b- در آن دوران این نام خیلی معمول و شایع بود و نشانه ای وجود ندارد که بتوان این شخص را با کس دیگری که در عهد جدید به این نام خوانده شده یکی دانست (اع ۱۹:۲۹؛ ۲۰:۴؛ روم ۱۶:۲۳؛ ۱-قرن ۱۴).
- c- این کلمه که در آیات ۵ و ۱۱ نیز آمده گاهی دوست عزیز ترجمه می شود [ولی مصدر این کلمه در فارسی محبت انتخاب شده] لذا سایر مشتقات آن نیز از ریشه محبت گرفته می شود چنان که در آیه ۱ محبوبی که من در حقیقت به او محبت دارم نیز به همین گونه است.
- d- این کلمه در متن یونانی وجود ندارد ولی کاملاً معلوم است که در پیش پیر درباره غایب شهادتهایی داده شده است.
- e- گاهی ترجمه می کنند: به حقیقتی که در تو نمایان می شود. در آیه ۶ نویسنده می گوید: از محبت تو گواهی داده اند، زیرا در نظر یوحنا حقیقت منبع الهام محبت مسیحی است.
- f- ر. ک ۲-یو ۴ توضیح g.
- g- ر. ک ۱-یو ۲:۱ توضیح r.
- h- ر. ک آیه ۳ توضیح e.
- i- کلیسای محلی که پیر در آنجا اقامت دارد. ر. ک آیه ۳: برادرانی که آمده اند.
- j- در نوشته های عهد عتیق کلمه نام به جای خدا بکار برده شده است ولی در کلیسای اولیه این کلمه در مورد مسیح بکار برده می شود (ر. ک اع ۵:۴۱ توضیح g). در حالی که به نظر پولس کلمه نام برای خداوند است (فی ۲:۱۱) برای یوحنا همواره در مورد پسر است (یو ۳:۱۸؛ ۲۰:۳۱؛ ۱-یو ۳:۲۳؛ ۵:۱۳).
- k- کسانی که برای اشاعه و تبلیغ انجیل اعزام می شدند به وسیله رسول پیر هدایت می شدند یا لاقلاً اعمال و وظایف آنان را تضمین می کرد. بدین سبب جمعیت های مسیحی را تشویق می نماید با این مبشرین همکاری مؤثر داشته باشند. ر. ک مقدمه.
- l- حقیقت چیزی جز سخن خدا نیست (ر. ک ۲-یو ۲ توضیح e) و قدرت اشاعه و ترویج را در خود دارد (روم ۱:۱۶؛ ۱-قرن ۳:۶-۷). مسیحیان در همکاری با کسانی که انجیل را اشاعه می دهند عملاً با خود حقیقت همکاری می نمایند و کمک می کنند نام پسر خدا شناخته شود (آیه ۷) ر. ک به عنوان مشابهی که پولس بکار برده و آنان را همکاران خدا نامیده است (۱-قرن ۳:۹؛ ر. ک ۱-تسا ۲).

۹ من چیزی به کلیسا^m نوشته ام اما
 دیوترفس که می خواهد برایشان برتری
 داشته باشد ما را قبول نداردⁿ. ۱۰ بدین
 سبب اگر بیایم به او یادآوری خواهیم کرد
 کارهایی را که می کند: [بسیاری] حرفهای
 مفت و شرارت آمیز علیه ما می زند و به
 اینها اکتفا نکرده برادران را خودش
 نمی پذیرد و آنان را که بخواهند [بپذیرند]
 مانع شده و از کلیسا بیرون می کند. ۱۱ ای
 محبوب، از بدی تقلید مکن، بلکه از
 نیکی. [آنکه] نیکی می کند از خدا است،
 ۱-۳:۶:۳ یو:۶:۳
 ۱-۳:۱۱ پتر:۱۱:۳
 ۱-۱۸:۴ قرن:۲۱-۱۸:۴
 ۱۲ [و اما] دیمیتریوس^o، همه درباره او
 گواهی داده و خود حقیقت هم [گواهی داده
 است] P؛ و ما هم گواهی می دهیم و تو
 می دانی که گواهی ما حقیقی است.
 ۱۳ خیلی چیزها داشتیم که به تو بنویسم
 ولی نمی خواهم به تو با مرکب و قلم
 بنویسم. ۱۴ وانگهی امیدوارم به زودی تو را
 ببینم و روبرو [با هم] صحبت خواهیم کرد.
 ۱۵ آرامش بر تو باد! دوستان به تو سلام
 می رسانند. [هر یک از] دوستان را به نام
 [خودشان] سلام برسان.

m- منظور کلیسای محلی است که غایب عضو آن کلیسا است و دیوترفس در آن آشفتگی و نفاق ایجاد می کند.
 n- گاهی ترجمه می کنند: ما را نمی شناسد. به طوری که در آیه ۱۰ تصریح شده دیوترفس اقتدار پیر را نمی پذیرد.
 o- ممکن است یکی از اعضای کلیسای محلی و شاید یکی از سخنرانان هیئت مبلغان است. همچنین می توان تصور کرد کسی است که حامل نامه می باشد.
 p- سخن خدا را که دیمیتریوس اشاعه می دهد (ر.ک آیه ۱۲ توضیح o) گواهی می دهد که او هم همکار واقعی حقیقت است (ر.ک آیه ۸). پولس نیز به طرز مشابهی، ثمره های معنوی گفتارهای خود را در قرن تنس دلیل و نشانه صحت و واقعیت رسالت خود می شمارد (۲-۳:۳ قرن:۳-۲).